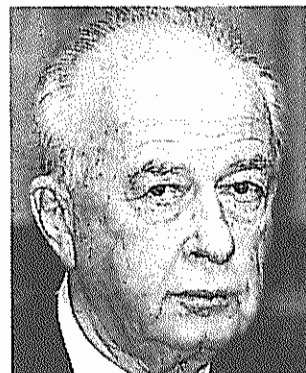


توسط یک یهودی افراطی اسحاق رابین به قتل رسید

● شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
ترور اسحاق رابین را محکوم کرد



اسحاق رابین

به دنبال ترور رابین، چند گروه ناشناخته یهودی مسئولیت این جنایت را بر عهده گرفتند. از جمله، فرد یا دسته‌ای به نام «انتقام» ادعا کرده که این ترور را سازمان داده است. تردیدی نیست که رابین، قربانی نفرتی شده است که در ماههای اخیر به علت توافقی‌های وی با فلسطینی‌ها، علیه وی در میان یهودیان افراطی و به ویژه

روز شنبه ۱۳ آبان ماه (چهارم نوامبر)، جنایتی که برای اسرائیل بی سابقه است، این کشور و کل خاورمیانه را تکان داد. یک دانشجوی ۲۶ ساله یهودی، پس از پایان تظاهراتی که از سوی نیروهای هوادار صلح ترتیب داده شده بود و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در آن سخنرانی کرد، رابین را در حالی که برای ترک محل به سمت اتومبیل خود می‌رفت هدف سه یا چهار گلوله قرار داد. رابین حدود یک ساعت بعد در بیمارستان جان سپرد. تروریست افراطی را در محل ارتکاب جنایت، در حالی که هنوز سلاحی را که با آن شلیک کرده بود در دست داشت، دستگیر کردند. بنا به نخستین گزارش‌ها، قاتل نخست وزیر اسرائیل مدعی است که این ترور را به طور فردی طراحی و اجرا کرده است. البته این گزارش می‌تواند عمداً از سوی پلیس انتشار یافته باشد تا همداستان احتمالی قاتل، به حد اطلاعاتی که وی در اختیار مأموران تحقیق گذاشته است بی نبرد.

بقیه در صفحه ۱۲

آزاد یخواهان ایران: انتخابات مجلس نمایشی است هم صدایی گسترده آزادی خواهان برای تحریم انتخابات و برپایی جبهه مشترک

● شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مردم را به تحریم انتخابات دعوت کرد
● حزب ملت ایران خواهان «برهم زدن انتخابات» و تشکیل جبهه هواداران مردم سالاری در ایران گردید
● ده‌ها حزب، سازمان و گروه سیاسی و افراد ملی و دموکرات از فراخوان تحریم انتخابات و تشکیل یک جبهه مشترک از آزاد یخواهان حمایت کردند.

تشدید مبارزه برای استقرار آزادی و مردم سالاری در ایران شدند.

فراخوان حزب ملت ایران

دبیرخانه حزب ملت ایران با انتشار فراخوانی در روز اول آبان، آزادیخواهان ایران را به تلاش مشترک برای «بر هم زدن» انتخابات نمایشی دعوت کرد. این حزب ضمن تأکید بر «فضای سیاسی باز» و «ایمنی قضایی» به عنوان پیش شرط‌های انتخابات آزاد، خواهان حذف اختیارات

همزمان با نزدیک شدن انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و تشدید اقدامات ضد دموکراتیک رژیم به منظور ممانعت از شرکت مخالفین در انتخابات، احزاب سیاسی و آزادیخواهان ایران، مردم را به عدم شرکت در نمایش عوامفریبانه‌ای که حکومت به نام انتخابات به راه انداخته است، دعوت می‌کند. بسیاری از احزاب و شخصیت‌های سیاسی با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه خواهان تشکیل یک جبهه واحد برای تحریم انتخابات و

شورای نگهبان گردید و نوشت: «همه صحنه سازها حکایت از آن دارد که سرمدمداران جمهوری اسلامی باز هم در صدد ظاهر آراسته دادن به قلدریهای خود هستند و حتی جناحی می‌خواهند سررشته همه کارها را در دست بگیرند». حزب ملت ایران ضمن «ستایش از تلاشهای پراکنده‌ای که به گونه‌های فردی و جمعی تا کنون در درون و بیرون کشور در راستای رهایی مین از تنگنای کنونی انجام گرفته»، «شالوده ریزی جبهه‌ای فراگیر را برای شکل سازمانی دادن به جنبش خواستار مردم سالاری» ضروری دانست و از همه زنان و مردان بیدار دل، همه نخبان گروه‌های اجتماعی و همه سازمانهای سیاسی دعوت کرد در راستای بنیاد گذاری جبهه خواستار مردم سالاری کوشش کنند.

فدائیان خلق:

در انتخابات شرکت نکنید

شورای مرکزی سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثریت) با انتشار اطلاعیه‌ای در تاریخ دهم آبان ماه، از مردم خواست در انتخابات نمایشی رژیم شرکت نکنند. در این اطلاعیه گفته شده است: «سران رژیم انتخابات مجلس پنجم را، که قرار است چهار سال برای مردم تصمیم بگیرد و بر سرنوشته مردم کشور حاکم باشد، به گونه‌ای پیش می‌برند که نه مردم و نه احزاب سیاسی هیچ کدام در آن دخالتی ندارند. تدارک انتخابات در فضای رعب و وحشت و سرکوبی صورت می‌گیرد که عوامل رژیم، نیروهای حزب الله و مأموران وزارت اطلاعات بر کشور حاکم کرده‌اند.

تداوم خودسریهای سران رژیم، دخالت‌های شورای نگهبان و وزارت کشور در تدارک انتخابات و هجوم دوباره حزب الله به مردم و مأموران وزارت اطلاعات به دگر اندیشان، نشان می‌دهد که در این انتخابات ذره‌ای امکان انتخاب برای مردم و

بقیه در صفحه ۲

حق مردم در «نه» گفتن

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انتشار اطلاعیه‌ای انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی را انتخاباتی فرمایشی خوانده و از مردم خواسته است در این انتخابات شرکت نکنند. در هفته‌های اخیر بخش قابل توجهی از احزاب و سازمانها و شخصیت‌های آزادیخواه کشور نیز مردم را به تحریم انتخابات دعوت کرده‌اند.

خواست همه احزاب سیاسی مشارکت در امور کشور و شرکت فعالانه در انتخاب ارگانها و نهادهای اداره کشور است. نقطه عزیمت ما و دیگر آزادیخواهان کشور نه تحریم انتخابات بلکه شرکت فعالانه در آن است. اما حکومت اسلامی با اتخاذ سیاستی به شدت ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه مانع شرکت احزاب سیاسی در انتخابات است. انتخابات آزاد بدون تأمین آزادی‌های سیاسی فریب است. حضور آزادانه احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی تشکل و تجمع و انحلال ارگانهای سرکوبگر از مهمترین میزبانهای یک انتخابات واقعاً آزاد هستند. اما هر چه به انتخابات نزدیکتر شده‌ایم، حکومت به سبزی بیشتری با فعالیت آزادانه احزاب برخاسته است و اقدامات سرکوبگرانه در همه عرصه‌ها را تشدید کرده است. انتخاباتی که در پیش است یکی از انحصاریترین انتخابات در طول عمر این رژیم است و روحانیت حاکم مضمم است مجلس آتی و در پی آن مقام ریاست جمهوری را با شیوه‌هایی کاملاً ضد دموکراتیک به طور کامل به انحصار خود درآورد. فضا را برای نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی اما مخالف حکومت نیز چنان تنگ کرده‌اند که بخشی از روحانیت هم اعلام کرده است در انتخابات کاندیدایی معرفی نخواهد کرد. حتی رفسنجانی زبان به اعتراض گشوده و از دخالت‌های دستگام‌های اجرایی دولت خودش که به دستور روحانیون حاکم و شورای نگهبان عمل می‌کنند، در انتخابات شکوه کرده است.

جناح‌هایی از خود رژیم در این نکته با نیروهای مخالف همداستانند که سرنوشته این انتخابات نه از طریق رای مردم، بلکه در پشت پرده و توسط بازوهای اجرایی روحانیت حاکم مانند شورای نگهبان و وزارت کشور تعیین می‌شود. آنها هستند که تصمیم می‌گیرند به چه کسانی اجازه شرکت در انتخابات داده شود و چه کسانی به عنوان «نمایندگان مردم» انتخاب شوند. همه ارگانهای اجرایی در دست روحانیت حاکم و طرفداران جناح رسالت است و این جناح با حربه «نظارت استصوابی» شورای نگهبان و مهره چینی‌های وزارت کشور راه شرکت جناحهای مخالف در حکومت و با حربه سرکوب راه شرکت نیروهای مخالف غیر حکومتی در انتخابات را سد کرده است. نه احزاب سیاسی مخالف حکومت و نه مخالفین داخلی رژیم هیچ کدام امکان تأثیر گذاری بر این انتخابات را ندارند.

با این حال رژیم تبلیغات پر دامنه‌ای را انجام می‌دهد تا مردم را به پای صندوق‌های رای بکشاند و آنها را به شرکت در انتخاباتی وادار سازد که نقشی در نتیجه آن ندارند. رژیم شرکت گسترده مردم در انتخابات را فقط برای آن می‌خواهد که مشروعیت روحانیون حاکم و انتخابات فرمایشی را به خود مردم،

بقیه در صفحه ۲

علی توسلی در زندان جمهوری اسلامی است

جمهوری اسلامی آدم ربایی خود را انکار می‌کند

بشر نیز تا کنون به انجام اقدام عملی از سوی آنها منجر نشده است. یک دلیل ظاهراً اینست که علی توسلی در شش ساله اخیر هیچ نوع فعالیت سیاسی و یا وابستگی سازمانی نداشته است. اما این‌ها هیچ یک پاسخگوی چشمان نگران نستر، تنها یادگار وی که در لندن هنوز چشمانش بازگشت پدر را انتظار می‌کشد نیست.

علی توسلی در ایران فقط یک خواهر دارد. او پدرش را سال پیش از دست داد. همه دیگر عزیزانش در سال ۱۳۴۷ در زلزله هولناک کاخک جان خود را از دست داده بودند.

وظیفه انسانی و تعهد اخلاقی که پایه آرام به دفاع از حقوق بشر و قطع نظر از هر گونه ملاحظه‌ایست، حکم می‌کند که از هیچ تلاشی برای رهایی و نجات علی توسلی، که قربانی ولع کینه توزانه و انتقام جویانه وزارت اطلاعات شده است، فروگذار نشود.

با آن که بیش از یک ماه از ربودن علی توسلی و زندانی کردن وی می‌گذرد، تا کنون هیچ گونه خبر رسمی در باره سرنوشته وی از طرف دولت ارائه نشده است. گرچه در چند مورد مراجعات خصوصی به مقامات حکومتی در داخل و یا در خارج از کشور، خبر دستگیری و اسارت وی در زندان در ایران تأیید شده است، با این وجود وقتی برخی از روزنامه‌های چاپ لندن گزارشی در مورد ربودن علی توسلی در باکو توسط عوامل حکومت ایران را به چاپ رسانیدند، سفارت ایران گزارش‌های مربوطه را تکذیب کرد. مسلم است که حکومت ایران نمی‌خواهد مسئولیت ربودن و بازداشت علی توسلی را رسماً بر عهده گیرد. زیرا در این صورت رسماً اتهام آدم ربایی را پذیرا شده است.

مراجعات دوستان توسلی به مقامات عفو بین‌الملل و دیگر نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق

هدف قانونی کردن

فشارهای غیر قانونی است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در چند نشست و برخاست کوتاه لایحه مجازات اسلامی (قانون تعزیرات) را که در ۲۵۷ ماده تنظیم شده است، تصویب کردند. نمایندگان مجلس با افزایش مجازات پیش بینی شده در لایحه دولت که با هدف تشدید اختناق و سرکوب اعتراضات مردم تدوین شده است، آن را برای اجرا در

اختیار دولت گذاشتند. روزنامه سلام قصد رژیم از تصویب قانون مجازات اسلامی را در شرایط کنونی «قانونی کردن فشارهای غیر قانونی» بر مردم ارزیابی کرد و عباس عدوی سردبیر این روزنامه نوشت: بعضی از مواد جزایی برای اهداف ویژه‌ای نوشته شده است.

بقیه در صفحه ۴

صف آرائی دانشجویان علیه حزب الله گسترده‌تر و آشکارتر شد

- انجمنهای اسلامی خواهان دفاع از آزادی بیان و حریم دانشگاه شدند
- خامنه‌ای بار دیگر اعلام کرد «مخالفین» را تحمل نخواهند کرد
- عسگراولادی سروش را به مرگ تهدید کرد

بهشتی نوشت: بحث دفاع از آزادی بیان، بحث دفاع از شخص و گروه خاصی نیست، بلکه دفاع از یک ارزش والا و دفاع از حریم مقدس دانشگاه و بالاتر از آن دفاع از حریم تفکر و اندیشه است، چرا که اندیشیدن به خودی خود مقدس است و نباید از اندیشیدن هراسید و نیز هدف، محکوم کردن تجاوز به این حریم و در هر زمان و مکان می‌باشد.

دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در اعتراض به عدم مداخله نیروهای انتظامی که به دستور ستاد مرکزی انتظامات و دفتر خامنه‌ای هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از هجوم حزب الله به دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان نکردند، خطاب به وزیر کشور نوشتند: آقای وزیر! مملکت را چه نیازی به پاسداری شبانه، در حالی که روز روشن حریم قانون مورد تجاوز قرار می‌گیرد، ادعای اقتدار در شرایطی که حریم فرهنگی دانشگاه توسط عده‌ای مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد و نیروهای انتظامی تنها نظاره‌گر اوضاع‌اند به چه معناست؟ دانشجویان این دانشگاه در

در حالی که مقامات حکومت تلاش می‌کنند زد و خوردهای اخیر در دانشگاه تهران و تظاهرات هزاران دانشجو علیه حزب الله و تشدید سرکوب در کشور را حادثه‌ای کم اهمیت و به تعبیر خودشان یک درگیری «خانگی» جلوه دهند، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف به طور گسترده‌ای تکرار می‌کنند که حزب الله را محکوم کردند و دولت را مسئول یک تازی حزب الله و بی قانونی در کشور خواندند.

دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه بهشتی (ملی) در بیانیه خود نوشتند: به مسئولین امنیتی و قضایی کشور هشدار جدی می‌دهیم که ترویج فرهنگ بی قانونی و غوغا سالاری بی شک در درجه اول دامن خود آنان را خواهد گرفت.

بقیه در صفحه ۴

آزادی یعنی آزادی دگراندیشان

یادداشت
از سال ۱۳۶۰ بدین سو، هیچ گاه دامنه مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی به گستردگی امروز نبوده است:

- برای نخستین بار پس از خرداد ۱۳۶۰، هزاران نفر در تظاهرات علیه چماقداران بسیج شده از سوی عالی‌ترین محافل وابسته به رهبری جمهوری اسلامی، شرکت کرده‌اند.

- برای نخستین بار از آغاز حیات رژیم، فکر جدایی دین و قدرت سیاسی تا بخش‌هایی از نیروهای نفوذ کرده است که سالها جزئی از پایگاه توده‌ای ولایت فقیه بوده‌اند.

- برای نخستین بار بخش‌هایی از نیروهای وابسته به نظام حاکم به تقابل آشکار با اقدامات سران حکومت برخاسته‌اند.

توجه به این عناصر جدید در معادلات سیاسی ایران، برای نیروهای سیاسی آزادیخواه دارای اهمیت زیادی است. در اعتراض به تعرض «انصار حزب‌الله» که وابستگی آنها به جنتی و خامنه‌ای فاش شده است، انجمن‌های اسلامی دانشجویان، تظاهرات بزرگی در دانشگاه تهران ترتیب دادند که هزاران دانشجوی غیر انجمنی نیز در آن شرکت کردند. در این تظاهرات، گروه زیادی از دانشجویان، صدای اعتراض خود را علیه چماقداران حزب‌اللهی و حامیانشان در نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی بلند کردند و فریاد «مرگ بر فاشیسم» سر دادند. تعداد زیادی از انجمن‌های اسلامی در بیانیه‌هایی به چماقداران و سرکوب آزادی‌اندوخته‌های کرده‌اند که بعضاً ملایم و بعضاً رادیکال‌تر است. حکومت، در شرایط کنونی با احتساب انتخاباتی که در پیش است و اهمه‌ای که از انزوای باز هم بیشتر دارد، در سرکوب این برآمد با دشواریهای زیادی روبروست. رژیمی که همین چند ماه پیش، مردم اسلام شهر را تنها به خاطر خواستن آب به گلوله بست، فعلاً ناچار است اعتراض به یکی از عناصر ماهری موجودیت خود، یعنی سرکوب را تا میزان معینی تحمل کند.

مبارزه سیاسی مسلمانان مخالف چنان غالب حکومت، با مبارزه ایدئولوژیک برخی از چهره‌های روشنفکران مذهبی علیه آمیزش دین و حکومت همراه شده است. صرفنظر از انگیزه‌ها و سوابق تک‌تک شخصیت‌هایی که این روزها نام آنها با اندیشه نجات اسلام از طریق رهایی آن از قید و بند الزامات حکومتی گره خورده است، این جنبش برای نخستین بار، گامی در جهت پاسخ دادن به یک ضرورت بر می‌دارد. اگر ۲۰ سال پیش، «سناسن اسلامی» از سوی روشنفکران مسلمان به معنای سیاسی کردن اسلام و قرار گرفتن آن در خدمت قدرت‌گیری روحانیون تلقی می‌شد، اکنون از نظر شمار فزاینده‌ای از پیروان متفکر اسلام، ادامه حیات این مذهب در ایران، در گرو جدایی آن از حکومت است. اما تنها ابراز این عقیده، خشم سران حکومت را برمی‌انگیزد و مرتجع‌ترین آنها را بر آن می‌دارد که اراذل و اوباش را به سرکوب تجمع‌ها و جلسات سخنرانی گسیل دارند.

ممکن است برخی از نیروهای آزادیخواه غیر مذهبی، این جبهه جدید مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی را که مرز آن از میان نیروهای مسلمان می‌گذرد، به خود مربوط ندانند و با بدگمانی (تا حدودی بر حق) به این یا آن شخصیت که در این دعوا مقابل ولایت فقیه قرار گرفته است، بنگرند. اما این بدگمانی نباید بدین بیانجامد که موضوع اختلاف نیز بی‌اهمیت و فرعی تلقی شود. سخن بر سر تحقق یکی از شرایط اصلی برقراری دموکراسی و کثرت‌گرایی در ایران، یعنی عقب‌نشینی مذهب از سیاست است. این امر تنها زمانی عملی خواهد شد که از میان خود مسلمانان، گروهی به این ضرورت مسلم پی برند و به انجام آن همت گمارند. ممکن است این امر بسیار دیر اتفاق افتد، مثلاً وقتی که جنبش ضد استبداد، حکومت اسلامی را از مسند قدرت به زیر کشیده باشد. اما چه بهتر که قبل از آن، شمار هر چه بیشتری از مسلمانانی که حکومت، سالها بر حمایت آنها تکیه کرده است، از رژیم فقها روی برتابند و به مخالفت با درهم آمیزی اسلام و حکومت برخیزند. در این صورت، امکانات حکومت برای سرکوب، محدودتر و امکان‌گذار با رویارویی و تلفات کمتر، بیشتر خواهد شد.

در تحولات اخیر، یک عنصر تازه وجود دارد، و آن این است که امثال کروی‌ها و محتشمی‌ها که چهار سال پیش «مصلحت‌نظام» را پذیرفتند، خود به پست‌های غیر سیاسی (و اکثر آن و آب داری) مانند ریاست بنیادها اکتفا کردند و پیروانشان را تحت کنترل نگه داشتند. اکنون دیگر در میان بخش عمده‌ای از نیروهای فاصله‌گرفته از رأس حکومت، ابتکار عمل را در دست ندارند. وضعیت این نیروها را که در عرصه سیاسی به «چپ» سنتی جمهوری اسلامی موسوم‌اند و در عرصه ایدئولوژیک، بیش از پیش به برداشت‌های آزادی‌خواهانه‌تر و لائیک‌تر از رابطه دین و سیاست نزدیک می‌شوند، می‌توان بدین گونه ترسیم کرد که رهبری سابق و بی‌اعتبار شده را از دست داده‌اند، اما هنوز رهبری منسجم جدیدی نیافته‌اند. در این برزخ و حالت گذار، این نیروها

در برابر یک انتخاب تاریخی قرار گرفته‌اند: یا راهی را که آغاز کرده‌اند پی بگیرند و از مبارزه برای آزادی خود، به مبارزه برای خود آزادی برسند، که یعنی آزادی دگراندیشان، و یا باز به متاع بی‌ارزش «آزادی» در چارچوب ولایت فقیه که همواره محدودتر می‌شود اکتفا کنند. یا اندکی از شهامت را که آیت‌الله منتظری در اوج قدرت خمینی نشان داد، داشته باشند و به اعدام و شکنجه و ترور و آدم ربایی که هنوز هم پنهان و آشکار ادامه دارد، و به سلب آزادی از مردم و دگراندیشان اعتراض کنند، و یا بنا به «مصلحت‌نظام» دم فرو بندند. این راه دوم است که رهبرانی مانند محتشمی پیش پای پیروان خود می‌گذارند. محتشمی اخیراً گفته است ما برای اینکه مجبور نشویم به شورای نگهبان انتقاد کنیم، از مبارزه انتخاباتی چشم‌پوشیم. فکری که در پس این گفته نهفته است، حتی در دفاع از آزادی خود نیز پیگیر نیست تا چه رسد به آزادی دیگران. به صلاح رانده شدگان از حکومت نیست که از این فکر پیروی کنند. حتی می‌توان گفت بقای آنها منوط بدان است که چنین اسلوبی را راهنما قرار ندهند. نیرویی که در مقابل سلب آزادی از خود، دم فرو بندد و کنج عزلت‌گزینی، رأی به انحلال خود داده است.

مدافعان آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی، بر خلاف نیروهای ناپیگیری که تنها به سلب آزادی از خود معترضند، با هر گونه استبداد و اختناق، علیه هر کس که باشد، مبارزه می‌کنند. آزادیخواهان موظفند از آزادی نیرویی نیز که خود در مبارزه برای آزادی همگان، جدیتی نشان نداده است، دفاع کنند، بدون اینکه این دفاع، با توهم نسبت به ظرفیت‌های این نیرو همراه شود. یادآوری این نکته که «چپ» و راست حکومت سالها در سرکوب دیگران همدست بوده‌اند، همواره لازم است تا مسئولیت سیاسی هر نیرویی بر جای خود بماند. اما این را نیز از یاد نبریم که هیچ کس یک‌شبه دمکرات و آزادیخواه نشده است. هر گامی که یک نیروی سیاسی به سمت پذیرش اصول دموکراسی و کثرت‌گرایی بردارد، مثبت است. وظیفه ما این است که به دنبال گام اول، برداشتن گام‌های بعدی را بطلبیم. مسلم است که هر چنانچه که با استفاده از اهرمهای دولتی رخ داده است، باید مورد رسیدگی حقوقی قرار گیرد. اما باید انهایی که دشمنان به خون آزادیخواهان و دگراندیشان آلوده نشده است فرصت یابند تا در ازای مسئولیت سیاسی‌ای که در حمایت از سیاست سرکوب دارند، این بار راه دفاع از آزادی را برگزینند.

حزب‌الله:

درو د بر انگلیس، سلام بر روسیه!

می‌زد: «درو د بر انگلیس، سلام بر روسیه» و «اروپای متحد مورد تایید ماست، روسیه متحد مورد تایید ماست!»

پس از این تظاهرات، انصار حزب‌الله به مقابل دفتر روزنامه اطلاعات شتافت و در آنجا به دادن شعارهایی علیه ملیون و کمونیستها مشغول شد.

روز پنجشنبه یازدهم آبان ماه بالغ بر ۴۰۰ تن از اعضای گروه انصار حزب‌الله طی تظاهراتی در محل وزارت امور خارجه اجتماع کرده و عملکرد وزارت خارجه را «مورد تایید» قرار دادند. در این تظاهرات شعارهایی در حمایت از ولایتی، مخالفت با آمریکا و اسرائیل داده شد. حزب‌الله فریاد

هم صدایی گسترده آزادخواهان برای تحریم انتخابات و...

ممکن زیر پا گذاشته می‌شود، نمی‌توان از سرداران رژیم انتظار بزرگتری «انتخابات آزاد» را داشت. این حزب «اتحاد عمل و تلاش مشترک همه نیروهایی که به آزادی و استقلال و استقرار عدالت اجتماعی در ایران می‌اندیشند» را پیش از هر زمان ضروری دانسته و آمادگی خود برای کمک به این هدف اعلام داشته است.

هیئت تحریریه نشریات «راه توده»، «نوید مقاومت» و «پیام دانشجوی بسیجی در تبعید» نیز با انتشار بیانیه‌های اعلام همبستگی، حمایت خود را از تشکیل جبهه نیروهای هوادار آزادی و مردم سالاری اعلام داشتند.

کمیته دفاع از آزادی در ایران - شاخه بزرگ، جنبش اتحاد برای آزادی مردم ایران (اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق)، جنبش همبستگی برای آزادی و دموکراسی، سازمان رهوان مکتب پان ایرانیسم، و هواداران جبهه ملی ایران در آلمان نیز از فراخوان تحریم انتخابات و تشکیل جبهه هواداران مردم سالاری در ایران حمایت کردند.

به گزارش دبیرخانه حزب ملت ایران، سازمان مارکسیستهای انقلابی ایران، جمعی از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران، جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تبریز، جمعی از طلاب حوزه علمیه قم، جمعی از مقلدان آیت‌الله روحانی، نهضت ملی نیروهای مسلح ایران نیز از تحریم انتخابات و تشکیل جبهه هواداران مردم سالاری حمایت کردند.

در تهران، آقای علی اردلان عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران از تحریم انتخابات و ایجاد جبهه واحد آزادیخواهان ایران حمایت کرد. ده‌ها تن از افراد ملی و مبارزین و گروهی از نظامیان و افسران پیشین ارتش در داخل و خارج از کشور نیز خواسته‌های فوق را مورد پشتیبانی قرار داده‌اند.

بسیاری از احزاب سیاسی و آزادیخواهان ابراز امیدواری کرده‌اند که این هم‌صدایی و هم‌رایی که از نظر گستردگی در نوع خود کم سابقه است، زمینه مناسبی برای تشکیل جبهه واحد مبارزه برای آزادی و مردم سالاری و مخالفت تحریم شود. نخستین پیش شرط یک انتخابات آزاد وجود آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی است که حلقه مقدم آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود می‌باشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران در اطلاعیه خود نوشت:

«در شرایط ادامه حکومت استبدادی ولایت فقیه، و در شرایطی که که تمامی آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم مین ما به خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل

* متن کامل اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مورد دعوت به تحریم در همین شماره «یکار» جداگانه درج شده است. برای آشنایی بیشتر با مواضع گروه‌های سیاسی در باره انتخابات به صفحه ۱۰ مراجعه کنید.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره انتخابات مجلس آتی

در انتخابات فرمایشی شرکت نکنید!

هم‌میهنان!

سران رژیم انتخابات مجلس پنجم را، که قرار است چهار سال برای مردم تصمیم بگیرد و بر سرنوشت مردم و کشور حاکم باشد، به گونه‌ای پیش می‌برند که نه مردم و نه احزاب سیاسی هیچکدام در آن دخالتی ندارند. تدارک انتخابات در فضای رعب و وحشت و سرکوبی صورت می‌گیرد که عوامل رژیم، نیروهای حزب‌الله و مأموران وزارت اطلاعات بر کشور حاکم کرده‌اند. تداوم خودسریهای سران رژیم، دخالت‌های شورای نگهبان و وزارت کشور در تدارک انتخابات و هجوم دوباره حزب‌الله به مردم و مأموران وزارت اطلاعات به دگراندیشان، نشان می‌دهد که در این انتخابات ذره‌ای امکان انتخاب برای مردم و امکان مشارکت برای احزاب سیاسی وجود ندارد. همه تبلیغات رژیم در مورد آزادی انتخابات دروغ و بی‌پایه است. انتخاباتی که در آن احزاب سیاسی نتوانند حضور داشته باشند، آزادی مطبوعات وجود نداشته باشد، آزادی اندیشه و بیان و گردهمایی و تشکل نباشد، کاندیداهای مخالف دولت و سیاست‌های حاکم نتوانند حضور داشته باشند، انتخابات نیست، نمایشی از عوامفریبی است. چنین انتخاباتی و مجلسی که نتیجه آن خواهد بود، هیچ تغییری در جهت بهبود وضع کشور و مردم پدید نخواهد آورد. رژیم همه احزاب سیاسی مخالف و حتی بخش‌هایی از نیروهای خودی را نیز از حق شرکت در انتخابات محروم کرده است و با این حال از مردم می‌خواهد که در انتخابات هر چه گسترده‌تر شرکت کنند و به کاندیداهای از پیش انتخاب شده شورای نگهبان و روحانیون حاکم رأی دهند تا آنها با اتکا به این رأی، خود را مشروع و منتخب مردم جلوه دهند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم صدا با دیگر سازمانهای سیاسی دمکرات و آزادیخواه، این انتخابات را تنها یک نمایش عوامفریبانه اعلام می‌کند و از مردم دعوت می‌کند که در این انتخابات رسوا شرکت نکنند. ما از همه کوشش‌هایی که در جهت رسوا ساختن این انتخابات عوامفریبانه و برای هماهنگ ساختن پیکار نیروهای آزادیخواه به این منظور صورت می‌گیرد، پشتیبانی می‌نماییم. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چون همیشه آماده است که هر گامی را که برای هماهنگ ساختن فعالیت آزادیخواهان ایران برداشته می‌شود، مورد حمایت قرار دهد و با همه امکانات در تلاشها برای بنیادگذاری جبهه‌های فراگیر از نیروهای خواستار مردم‌سالاری در ایران، مشارکت ورزد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۸ آبان ۱۳۷۴ - ۱۳ اکتبر ۱۹۹۵

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره ترور

اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل

امروز، شنبه ۴ نوامبر، اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل به هنگام ترک تظاهراتی که در حمایت از روند صلح اعراب و اسرائیل در تل آویو برگزار شده بود، توسط یک یهودی وابسته به یک سازمان افراطی دست راستی اسرائیلی مورد سوء قصد قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان درگذشت.

اسحاق رابین یکی از طراحان روند صلح اعراب و اسرائیل و از چهره‌های اصلی این روند در جهت تحقق صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل بود. ترور اسحاق رابین نشانگر جدی بودن خطرات در راه صلح خاورمیانه و مبین مخالفت‌های عمیق افراطیون با تحقق آرمان صلح است. مخالفت با صلح، چه در بین اسرائیلی‌ها و چه در بین فلسطینی‌ها، جریانی نیرومند است و تنها با شجاعت بیشتر برای تحقق صلح عادلانه می‌توان بر این خطر غلبه کرد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترور نخست وزیر اسرائیل را محکوم می‌کند، فقدان اسحاق رابین را به مردم اسرائیل و خانواده وی تسلیت می‌گوید و امیدوار است که این رویداد نه تنها روند صلح خاورمیانه را با کندی مواجه نکند، بلکه اراده مبارزین راه صلح را نیرومندتر سازد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۴ نوامبر ۱۹۹۵

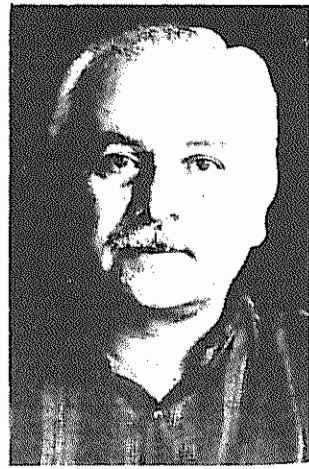
حق مردم در «نه» گفتن

بقیه از صفحه ۱

مخالفین رژیم و جهانیان نشان دهد و از این مشروعیت برای ادامه سیاست‌های سرکوب‌گرانه و ضد دموکراتیک خود سود برد. در حالی که امکان شرکت در انتخابات و تأثیرگذاری مستقیم در آن وجود ندارد، خشتی کردن این هدف رژیم اهمیت بیشتری می‌یابد. هر چه تعداد کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند کمتر باشد، ابعاد اعتراض به شرایط ضد دموکراتیک انتخابات و فقدان آزادیها گسترده‌تر و قدرت روحانیون حاکم و مجلس از تجاعی دست‌پخت آن کمتر می‌شود. دعوت احزاب و سازمانهای سیاسی آزادیخواه از مردم برای شرکت نکردن در انتخابات ناظر بر این نکته است که وقتی راه شرکت مستقیم و قانونی مردم در تعیین سرنوشت خودشان را می‌بندند و آنها را تنها وسیله مشروعیت خود می‌خواهند، حق مردم است که به خواست مستبدین «نه» بگویند و از طریق امکانات و راه‌هایی که مقدور است به مقابله با آنان بپردازند.

احمد میرعلایی مترجم توانای کشور درگذشت

پاره‌ای گزارشها مرگ احمد میرعلایی را مشکوک اعلام کردند



احمد میرعلایی از مترجمان توانا و پرکار ایران روز سه‌شنبه دوم آبان (۲۴ اکتبر) در سن ۵۳ سالگی در زادگاهش اصفهان جان سپرد. روزنامه‌های جمهوری اسلامی مرگ وی را ناشی از سکت قلبی اعلام کردند، لیکن برخی گزارشها از مشکوک بودن فوت میرعلایی حکایت دارند. در این گزارشها از نزدیکیان میرعلایی نقل شده است که پزشک قانونی اصفهان اثر تزریق یک سرنگ بر روی بازوی وی را تایید کرده است. به علاوه خویشان میرعلایی می‌پرسند که چرا جسد وی که به ادعای مسئولان رژیم سکنه کرده است در یک محله پر رفت و آمد پیدا شده است.

میرعلایی صبح روز سه‌شنبه به قصد دیدار دوستی خانه خود را ترک کرده و عصر همان روز مسئولان محلی اعلام کردند که جسد وی را در خیابانهای مرکزی اصفهان پیدا کرده‌اند. بر اساس گزارشهای یاد شده نیز میرعلایی که از استادان دانشگاههای اصفهان بوده است، با محافل دانشجویی این شهر روابط نزدیکی داشته و در تظاهرات و اعتراضات اخیر دانشجویان اصفهان نقش قابل اعتنایی ایفا کرده است.

میرعلایی از دانش آموختگان دانشگاههای انگلیس در رشته

همسر دکتر سروش خواهان تأمین امنیت خود و فرزندان شد

همسر عبدالکریم سروش در یک نامه سرگشاده که در روزنامه سلام به چاپ رسید، اعلام داشت که خود و فرزندان امنیت جانی ندارند و از مسئولین کشور خواست امنیت جانی او و فرزندان را تأمین کنند. خانم سروش در این نامه نوشت:

«بنده همسر دکتر عبدالکریم سروش می‌باشم. چندی قبل در بعضی از روزنامه‌ها خواندم که گروه انصار حزب الله قصد تحصن در مقابل خانه دکتر سروش را دارند. من معنی این تحصن و عواقب آن را می‌دانم، چرا که قبل از سخنرانی دکتر در دانشکده فنی، گروه مزبور اعلام کرده بودند که قصد برهم زدن سخنرانی را دارند و ما شاهد بودیم که چه جنجالی برپا کردند. مسلماً معنی تحصن آنها نیز مترادف با سلب امنیت از من و خانواده‌ام می‌باشد. اگر چنین اتفاقی بیفتد، من به همراه فرزندانم به یکی از مساجد

شهر می‌رویم و اعتصاب غذا می‌کنیم تا مسئولین امنیت جانی ما را تضمین کنند». خانم سروش در ادامه نامه خود خاطر نشان کرد: «این حق طبیعی هر انسانی است که خواهان یک زندگی آرام باشد، عده‌ای قصد دارند این حق طبیعی را از ما بگیرند. شما تصور بکنید عده‌ای جلوی خانه ما بیایند و از قضا کسی سنگی پرتاب کند، یکی شعار بدهد، یکی... بعد می‌شود مثل حالاکه انصار حزب الله می‌گویند ما نبودیم، دیگران هم می‌گویند ما نبودیم. آخر اینها چکار به زن و بچه آقای سروش دارند؟ بنده رسماً از مسئولین کشور تضمین جانی می‌خواهم».

علیرغم درخواست رسمی همسر دکتر سروش از مقامات جمهوری اسلامی برای تأمین امنیت جانی خود و فرزندان، مسئولین حکومت هیچگونه واکنشی نسبت به تقاضای او نشان ندادند.

سفر بی رونق ناطق نوری به اتریش

علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی هفته گذشته به اتریش و ایرلند سفر کرد. دیدار وی از اتریش به دعوت هاینس فیشر رئیس مجلس این کشور صورت گرفت. سفر ناطق نوری که در راس هیئتی از کارگزاران سیاسی و اقتصادی رژیم به اتریش رفته بود، در رادیو و تلویزیون این کشور انعکاسی نیافت و روزنامه‌ها نیز خبر این سفر را کوتاه و در میان صفحات میانی خود بازتاب دادند. روزنامه معتبر استاندارد در خبر خود خاطر نشان کرده است که ناطق نوری در ملاقات خود با هاینس فیشر از وارد شدن به بحث معین حول حقوق بشر سر باز زده است و تنها به طور کلی ابراز کرده است که

طرح "تحریم مضاعف" علیه جمهوری اسلامی در کنگره آمریکا بررسی می‌شود

دولت کلبنتون با این طرح نیز به خاطر اختلالاتی که ممکن است در روند صلح خاورمیانه ایجاد کند، مخالف است. علاوه بر آن ارائه طرح مزبور از سوی راست گرایان آمریکا بخشی از تلاشی است که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، برای توجیه افزایش بودجه نظامی آمریکا و سرویس‌های مخفی این کشور در پی قلمداد کردن بنیادگرایی اسلامی به عنوان خطری عمده برای ایالات متحده و جهان غرب است.

سیاست‌های تشنش‌زای جمهوری اسلامی در منطقه و تلاش برای صدور انقلاب اسلامی و گسترش تروریسم از سوی این رژیم واقعیت‌هایی هستند که باید با آن‌ها مقابله شود. اما اگر تشدید این مقابله موضوع رقابت‌های انتخاباتی دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در آمریکا شود و به اتخاذ تصمیم‌هایی بیانجامد که قابل اجرا نباشد و یا در صورت اجرا نه رژیم بلکه مردم ایران را زیر فشار قرار دهند، مورد موافقت نیروهای آزادی‌خواه ایران نخواهد بود.

شده است که کشورش برای ساقط کردن جمهوری اسلامی، بودجه ویژه‌ای اختصاص دهد. این نخستین بار نیست که گینگریچ خواهان آن می‌شود که دولت آمریکا برای از میان برداشتن جمهوری اسلامی بکوشد.

در استانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، این امر دارای اهمیت است که کدام یک از دو حزب عمده، بتواند حمایت جامعه یهودی آمریکا را که در محافل عمومی و رسانه‌های گروهی این کشور دارای نفوذ زیادی است، جلب کند. جمهوری خواهان که به طور سنتی در میان یهودیان آمریکا کمتر از حزب دموکرات کلبنتون طرفدار دارند، برای مطرح کردن خود به عنوان مخالفان پیگیرتر دشمنان اسرائیل در خاورمیانه، از موضوع "تحریم مضاعف" نیز استفاده می‌کنند. این تلاش‌ها را باید در چارچوب استراتژی کلی‌تری ارزیابی کرد که مطابق با آن، اخیراً طرح انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل از تل‌آویو به بیت‌المقدس نیز در کنگره آمریکا تصویب شد.

اقتصادی علیه جمهوری اسلامی حاکی است وزارت خارجه آمریکا آمیدی به تأثیر این مجازات در کوتاه مدت ندارد بلکه معتقد است که اولاً باید منتظر نتایج درازمدت تحریم‌ها بر اقتصاد ایران بود و ثانیاً باید برای جلب موافقت متحدان غربی آمریکا از تحریم مضاعف در کنگره آمریکا می‌گویند دقیقاً برای جلب حمایت متحدان است که باید طرف‌های تجاری ایران را نیز مجازات کرد، در حالی که دولت آمریکا حاضر نیست در اعمال فشار بر هم‌پیمانانی مانند آلمان و ژاپن، تا این حد پیش برود. در آمریکا اختیار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی با رئیس جمهور است و مصوبات کنگره در این گونه موارد می‌تواند از سوی رئیس جمهور و نه شود. وتوی رئیس جمهور تنها زمانی بی‌اثر خواهد شد که کنگره با حداقل دوسوم آراء این وتو را لغو کند.

نسوت گینگریچ رئیس جمهورخواه مجلس نمایندگان آمریکا اخیراً بار دیگر خواستار آن

سناتور آلفونس داماتو که در کنگره آمریکا به خاطر فعالیت‌هایش علیه جمهوری اسلامی شهرت یافته، طرحی را به پارلمان ایالات متحده ارائه کرده است که در صورت تصویب آن، علاوه بر تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا که از چند ماه پیش به اجرا گذاشته شده است، کلیه شرکت‌های خارجی که با ایران معامله می‌کنند نیز مورد تحریم قرار خواهند گرفت. طرح داماتو تا کنون مورد حمایت ده‌ها تن از اعضای کنگره آمریکا قرار گرفته است اما دولت کلبنتون می‌گوید اجرای این طرح عملی نیست و با تصویب آن مخالف است. در مقابل طرفداران طرح "تحریم مضاعف" در آمریکا می‌گویند از تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا تا کنون تنها شرکت‌های غیرآمریکایی سود برده‌اند و لازم است برای اینکه این شرکت‌ها از خلأ ایجاد شده در بازرگانی خارجی ایران سود نبرند، واشنگتن علیه آنها اقدام کند. آخرین گزارش دولت کلبنتون از نتایج اجرای تحریم

عباس عبدی:

اندیشه اسلامی رو به زوال است

سوالات متعددی در زمینه‌های فکری در جامعه مطرح می‌شود، ولی جوابی در خور داده نشده است و حتی گروهی برای پاسخ دادن به این سوالات تعیین شدند که از سرنوشت کارهایشان هیچ خبری نیست (حداقل به صورت علنی چیزی منتشر نشده است) در حالی که ۱۷ سال بعد از انقلاب هم آزادی نوشتن داشته‌اند و هم امکانات وسیع مادی و معنوی، ولی در مقابل در یک دهه قبل از انقلاب با وجود خفقان و امکانات کم، مجموعه مسائلی که در اندیشه اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت به مراتب پیش از دو دهه اخیر است. (به شواهد واقعی کتابهای منتشره) آیا اینها حاکی از این نیست که برای حفظ آنچه که اندیشه نامیده می‌شود، باید دخالت قدرت را به صرف قدرت در آن از میان برد؟ و با ابزارهای قدرت مابانه به جنگ اندیشه نرفت و حتی از موضع قدرت نسبت به اندیشه دیگران بسیار خاضع بود؟

در حالی که عده‌ای از متفکران و روشنفکران اسلامی علیرغم سرکوب خشن رژیم ولایت فقیه تلاش می‌کنند با ایجاد رفم و جدائی دین از حکومت به تجدید حیات اسلام و دوام آن یاری رسانند. عباس عبدی سردبیر روزنامه سلام که خود از پیروان اندیشه اسلامی است در یادداشتی زیر عنوان "اندیشه و قدرت" نوشت اندیشه اسلامی رو به زوال است و حکومت جمهوری اسلامی در انزوا و زوال آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

عبدی با طرح این موضوع که دخالت قدرت به صرف قدرت در اندیشه، تقریباً به اضمحلال آن می‌انجامد و حتی در روزگار فعلی خود را نیز به ورطه نابودی می‌اندازد، افزود رژیم طی ۱۷ سال با ابزار قدرت علیه اندیشه برخاسته است. عبدی نوشت:

«اگر توجه کنیم که سالهاست

حزب الله کتابفروشی عطار را آتش زد

عاملین این حادثه نیز مثل همه حوادث کشور جمهوری اسلامی که مدعی تأمین امنیت در سراسر کشور است، از تعقیب و پیگرد مصون مانده‌اند. بر پایه یک گزارش، این آتش‌سوزی کار عوامل آشوبگر گروه انصار حزب‌الله و با هماهنگی وزارت کشور بوده است.

حوالی ساعت پنج و نیم صبح روز سه‌شنبه نهم آبان، دو فرد ناشناس مرکز فروش و پخش انتشارات عطار در میدان انقلاب را به آتش کشیدند. این دو تن پس از ریختن یزین بر روی کتابفروشی مذکور، آن را به آتش کشیدند. این آتش‌سوزی خسارات بسیاری بر انتشارات نامبرده وارد آورده است.

فیشر با اشاره به شرایط خوب اقتصادی و استراتژیکی اتریش و عضویت این کشور در اتحادیه اروپا خواهان همکاری و مشارکت این کشور در اجرای برنامه دوم توسعه شد. وی تشکیل اتحادیه اروپا را «بازگشت اروپا به هویت واقعی خود» خواند و اظهار داشت که اتریش به عنوان عضو این اتحادیه، می‌تواند پل ارتباطی میان ایران و اتحادیه اروپا باشد.

هم زمان با سفر ناطق نوری به اتریش کمیته دفاع از حقوق بشر در وین نامه‌ای به رئیس مجلس

نکته‌ها...

مردم می‌گویند:

● بهتر است این ماده را نیز به قانون تعزیرات (قانون مجازات جرایم ضد امنیتی که اخیراً از تصویب مجلس گذشت) اضافه کنند که هر کس با خودش نیز حرف بزند، بازداشت و محاکمه خواهد شد.
● به مسئولان صدا و سیما اطلاع دهید که نیازی به دریافت انتقادات و پیشنهادات مردم در مورد برنامه‌های رادیو و تلویزیونی نیست و بهتر است برنامه‌های خود را قبل از پخش به گروه انصار حزب الله نشان بدهند تا به ضد انقلاب و ضد ولایت فقیه متهم نشوند. اگر اصل پر حرف مردم بود که موجبات تعطیلی برنامه ساعت خوش و روی آوردن مردم به ماهواره فراهم نمی‌شد. آقایان به جای ۷۰ میلیون جمعیت کشور حرف می‌زنند و آشوب به پا می‌کنند، دیگر به نظر مردم چه نیازی هست؟

یک سوزن به خود...

یک خواننده روزنامه سلام گفت: «از طرف ما به مخالفان دکتر سروش بگویند هر کاری که با دکتر بکنید، ما باز هم نوکر ایشان هستیم». سلام پاسخ داد: «یکی از زیانهای برخورد غیر فکری و غیر فرهنگی با مسایل فکری و فرهنگی بیدایش همین روحیات متعصبانه و اندیشه بر باد ده است. چرا باید یک انسان معتقد شود که فردی دارای چنان اندیشه‌ای است که هیچ خطایی در آن راه ندارد و چنان متعصبانه هوادار او شود که حتی تعبیر به «نوکر» بودن برای او بکند، چنین تعصبی اجازه نمی‌دهد افراد، اندیشه‌ای را که از طرف صاحب آن عرضه می‌شود بفهمند، بلکه تنها آنها را وادار می‌کند که آنرا قبول داشته باشند. این چنین پذیرفتنی، اجازه نمی‌دهد افراد نقاط ضعف را از نقاط قوت اندیشه باز شناسند، در چنین فضایی صاحب اندیشه هم تنها می‌ماند، بدون کمک کارانی که خطاهای فکری او را باز شناسند و از همین جا مرگ اندیشه آغاز می‌شود و متأسفانه صاحبان فکر و اندیشه هنگامی که گرفتار مرید به جای شاگرد می‌شوند کمتر قدرت برهم زدن این وضعیت را دارند. اینجاست که مرید و مراد هر دو گرفتار و در بند یکدیگر افتاده‌اند و کمند ارادت تا هر دو آنان را به سقوط نکشاند رها نمی‌سازد».

پرسش این است: آیا مسئولین این روزنامه آن چه را که به خوانندگان خود پند می‌دهند، خود نیز سرمشق قرار می‌دهند و آیا حاضرند با همین دید به رابطه خود با مراد خود خمینی بنگرند و در این رابطه مرید و مراد تجدید نظر کنند؟

کوسه و ریش پهن!

اسدالله بیات نایب رئیس مجلس سوم: «نظارت را یا استلاعی می‌گویند یعنی برای صرف اطلاع کسی است و یک نظارت را استصوابی می‌کنند که یک شرطی در وصی یا متولی کم باشد مثلاً از نظر رشد ضعیف باشد و یا از نظر تشخیص و علم و آگاهی ضعیف باشد و این نظارت استصوابی به لحاظ نقصان و ضعف مطرح می‌شود تا با نظارت دیگری رفع شود... شورای نگهبان هم خودش را ولی امر می‌بیند و رابطه خودشان را با جامعه به گونه‌ای می‌بینند که خیال می‌کنند مردم ممکن است در انتخابات یک مقدار قصور و ضعف داشته باشند، پس این ضعف باید با تصویب ما جبران شود. ما می‌گوییم که ملت تصمیم گیرنده است ولی از طرف دیگر عده‌ای می‌گویند که هر کاری انجام می‌شود باید شش نفر تصویب کنند و این دو موضوع همخوانی ندارند و مثل داستان "کوسه ریش پهن است».

مدیر مسئول روزنامه توس زندانی شد

صادق جوادی حصار مدیر مسئول روزنامه توس مشهد روز شنبه ششم آبان توسط مأموران حکومتی دستگیر و روانه زندان شد. مأموران رژیم بر اساس برنامه از پیش طراحی شده جوادی حصار را به بهانه ادای توضیحات به دادگاه فراخواندند و پس از پایان جلسه دادگاه که مقارن با پایان وقت اداری بود و امکان سپردن سند و وثیقه به دادگاه از وی سلب شده بود، او را برای انتقال به زندان به مأموران پاسگاه انتظامی ۶ مشهد تحویل دادند. از سوی مسئولان قضایی در مورد علت دستگیری و محل بازداشت وی گزارشی انتشار نیافته است.

روزنامه توس هفته آخر مهر ماه به بهانه نقض مقررات قانون مطبوعات از سوی مسئولین استان خراسان توقیف شد و همزمان با دستگیری مدیر مسئول آن ایلام

حمله حزب الله به خانه یکی از مخالفین رژیم

گروهی از عوامل حکومت به منزل خانوادگی یکی از مخالفین رژیم که در خارج از کشور اقامت دارد ریخته، درهای خانه را شکسته، اسناد خانوادگی و کتابها را سوزانده و سایر وسایل را به حیاط ریختند. برپایه گزارشهای رسیده منزل خانوادگی آقای مهرداد ارفع زاده در شهرستان رودسر مورد

صف آرای دانشجویان علیه حزب الله گسترده تر و آشکار تر شد

نوشته: «دانشجویان مسلمان را چه جزء تشکلهای اسلامی دانشجویان یا دانشجویی باشند، چه نباشند، سربازان حزب الله می دانیم و خاک پای همه عزیزان هستیم، ما اساساً از اینکه پس از جنگ مانده ایم و باید شاهد برخی مجرمات و مفاسد باشیم و نتوانیم کاری بکنیم در عذابیم».

در این بیانیه علیرغم دلجویی از دانشجویان انجمن اسلامی و تلاش برای جلوگیری از تعمیق شکاف میان حزب الله و انجمن اسلامی، تأکید شده است: انصار حزب الله یک تشکیلات یا حزب نیست و امر به معروف و نهی از منکر نیز مشروط به اجازه نمی باشد. انصار حزب الله در پاسخ به کسانی که بر ضرورت اجرای قانون تأکید می کنند، نوشت:

«کدام قانون؟ اگر با شعار «قانون» می خواهید روح انقلابی و حزب الهی را سرکوب کنید و مردان هر قانونی است، می پرسیم: مگر اصل انقلاب، قانونی بود؟! مگر بسیاری از سرفصلهای این انقلاب، قانونی بوده است و مگر باید قانونی می بود؟! ... مگر قانون نمی گوید انتشار کتب از قبیل آنچه «مرغ امین» نشر نموده ممنوع است؟! مگر قانوناً نباید نویسنده و ناشر محاکمه شوند؟! یا مگر استوانه قانون اساسی، التزام به ولایت فقیه نیست؟ پس کو؟».

اعضای انصار حزب الله پس از انتشار بیانیه، اعلام کردند تا زمانی که سروش به خواست آنان مبنی بر شرکت در مناظره با حزب الله تن ندهد برابر خانه وی متحصن خواهند شد. سروش اعلام کرده است با کسانی که به دانشگاه حمله می کنند و سخنرانها را به هم می زنند و کتابسوزان به راه می اندازند حاضر به گفتگو نیست اما آماده است با مدرسان حوزه علمیه قم مناظره علنی بکند.

روز سه شنبه سوم آبان، حسین

انصار حزب الله: چرا دم از قانون می زنید؟

استادگی دانشجویان در برابر هجوم حزب الله که به قصد ارباب مردم به خیابانها فرستاده شده است، مقامات حکومت را از عواقب عصیان مردم به هراس انداخت و آنان را واداشت از فرستادن حزب الله به مقابله با تظاهرات دانشجویان منصرف شوند. انصار حزب الله روز دوم آبان در اعلامیه ای با عنوان «سخن آخر»

رفسنجانی: روحانیت دین را به حکومت بازگرداند

رئیس جمهور اسلامی در ششمین گردهمایی ائمه جماعات استان تهران روحانیت را صاحب و پیشتاز انقلاب اسلامی خواند و گفت انقلاب جدای روحانیت غیر قابل تصور است. رفسنجانی که در تمام طول صحبتش هندوانه زیر بغل هم لباسش می داد، مهم ترین پیامد تلاش روحانیت را بازگرداندن دین به متن جامعه و حکومت خواند. وی گفت: یکی دیگر از «خدمات» روحانیت کسب استقلال سیاسی واقعی کشور است.

رفسنجانی همچنین گفت در زمینه مسائل فرهنگی روحانیت باید با هوشیاری، برهان و استدلال عمل کند به گونه ای که با عملکرد خود محبوب دلای مردم و به ویژه جوانان باشد. وی گفت وضعیت روحانیت با دهدهای قبل تفاوت کرده و روحانیت باید با هوشیاری و آگاهی از مسائل روز و اوضاع جاری جهان و کشور را به خوبی برای مردم تشریح کند.

در آذربایجان غربی عده ای به اتهام جاسوسی دستگیر شدند

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی هفته گذشته اعلام کرد که شماری از شبکه های جاسوسی و خرابکاری را در آذربایجان کشف و عده ای را در همین رابطه دستگیر کرده است. یکی از مسئولان وزارت اطلاعات که در ارومیه سخن می گفت ضمن اعلام خیر فوق در مورد اتهام دستگیر شده گان اظهار کرد که آنان قصد توطئه داشتند و اطلاعات در اختیار بیگانگان قرار

صف آرای دانشجویان علیه حزب الله گسترده تر و آشکار تر شد

نوشته: «دانشجویان مسلمان را چه جزء تشکلهای اسلامی دانشجویان یا دانشجویی باشند، چه نباشند، سربازان حزب الله می دانیم و خاک پای همه عزیزان هستیم، ما اساساً از اینکه پس از جنگ مانده ایم و باید شاهد برخی مجرمات و مفاسد باشیم و نتوانیم کاری بکنیم در عذابیم».

در این بیانیه علیرغم دلجویی از دانشجویان انجمن اسلامی و تلاش برای جلوگیری از تعمیق شکاف میان حزب الله و انجمن اسلامی، تأکید شده است: انصار حزب الله یک تشکیلات یا حزب نیست و امر به معروف و نهی از منکر نیز مشروط به اجازه نمی باشد. انصار حزب الله در پاسخ به کسانی که بر ضرورت اجرای قانون تأکید می کنند، نوشت:

«کدام قانون؟ اگر با شعار «قانون» می خواهید روح انقلابی و حزب الهی را سرکوب کنید و مردان هر قانونی است، می پرسیم: مگر اصل انقلاب، قانونی بود؟! مگر بسیاری از سرفصلهای این انقلاب، قانونی بوده است و مگر باید قانونی می بود؟! ... مگر قانون نمی گوید انتشار کتب از قبیل آنچه «مرغ امین» نشر نموده ممنوع است؟! مگر قانوناً نباید نویسنده و ناشر محاکمه شوند؟! یا مگر استوانه قانون اساسی، التزام به ولایت فقیه نیست؟ پس کو؟».

اعضای انصار حزب الله پس از انتشار بیانیه، اعلام کردند تا زمانی که سروش به خواست آنان مبنی بر شرکت در مناظره با حزب الله تن ندهد برابر خانه وی متحصن خواهند شد. سروش اعلام کرده است با کسانی که به دانشگاه حمله می کنند و سخنرانها را به هم می زنند و کتابسوزان به راه می اندازند حاضر به گفتگو نیست اما آماده است با مدرسان حوزه علمیه قم مناظره علنی بکند.

روز سه شنبه ۲۶ مهرماه حبیب الله عسگرآولادی که به تازگی به عضویت هیأت منصفه مطبوعات منصوب شده است، سروش را غیرمستقیم به مرگ و به سرنوشته کسروی و ارانی تهدید کرد و گفت: اگر تقی ارانی با چپ زدگی های آن روز که از نظر فلسفه و از نظر مسایل اجتماعی داشت و احمد کسروی با آن تفکر لیبرالیستی توانستند به این ملت خدمتی بکنند و یا در دل ملت جای بگیرند شما هم که با شتاب و به سرعت راه آنها را می بیناید

قانونی کردن فشارهای...

می شوند. به عبارت دیگر هدف مخالفت کردن با عمل مجرمانه نیست، بلکه ایجاد مستمسکی برای تحت فشار قرار دادن دیگران است و در اصل قانونی کردن فشارهای غیر قانونی است که در شرایط کنونی از سوی عده ای بر دیگران اعمال می شود، هدف از میان بردن امنیت فکر، عقیده و بیان از طریق قانون است و حتی بالاتر از آن تنها به صاحبان اندیشه و فکر نیز محدود نمی شود، بلکه مردم عادی و غیرسیاسی و غیر متفکر را نیز در بر خواهد گرفت. این نوع مواد قانونی ترجیح بند کلیه محاکمات و احکامی خواهند شد که هدفشان قانونی کردن فشارهای غیر قانونی است. از نظر قانون مجازات اسلامی که به تصویب مجلس رسیده،

زنجریره پایان ناپذیر شکست فوتبال ایران

تیم ملی فوتبال المپیک ایران در مسابقات سه جانبه گروه هفتم آسیا از تیم امارات متحده عربی شکست خورد و نتوانست در جمع ۸ تیم آسیا بجز برای به دست آوردن اجازه شرکت در مسابقات المپیک سال ۱۹۹۶ اتلانتا بیکار خواهند کرد، قرار گیرد. این شکست حلقه ای دیگر بر زنجریره شکستهای بزرگ فوتبال ایران که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است، افزود. در ۴ سال گذشته تیم ملی فوتبال ایران در همه مسابقات بزرگ آسیایی و جهانی با شکست های سنگین مواجه شده است. شکست در نخستین گام در راه المپیک اتلانتا، بی شک یکی از سنگین ترین شکست ها در زنجریره ناکامی های پی در پی فوتبال ایران است.

پس از شکست تیم ملی المپیک ایران مسئولان مملکتی وعده دادند که دلایل شکست بررسی خواهد شد و روزنامه ها پیش بینی کردند که کادر مدیریت تیم ملی تغییر خواهد کرد و مفسران ورزشی گفتند که با قربانی ساختن چند نفر، این شکست نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. پس از هر شکست این داستان تکرار شده است و هیچ نتیجه ای نیز جز ادامه شکست در میدان بعدی به همراه نیاورده است.

شکست، یک سوی هر مسابقه ورزشی است و بسیاری بر این عقیده اند که در ورزش پیروزی یا شکست را نباید هدف قرار داد. اما در هر مسابقه ورزشی به ویژه مسابقاتی با ابعاد بزرگ و بین المللی، نمی توان این نکته را نادیده گرفت که هیچ کس به هدف باخت وارد میدان هیچ مسابقه ای نمی شود. در جهان امروز ورزش و در راس همه رشته های ورزشی، فوتبال، دیگر تنها یک وسیله سرگرمی و حتی تربیت بدنی نیست و عرصه رقابت شرافتمندانه میان ملتها و میزان و سنجشی برای پیشرفت است. ورزش وسیله ای برای کسب اعتبار و حیثیت و غرور ملی و سربلندی در جامعه جهانی است. هر چند این موفقیت ها نیز مثل هر موفقیت دیگری می توانند مورد سوء استفاده در جهت دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی و توجیه رژیم های حاکم قرار گیرند، اما پیروزیهای ورزشی در میدان بزرگ نیز مثل پیروزیهای بزرگ سیاسی، علمی و فرهنگی، متعلق به ملت ها هستند و به آنها اعتبار می دهند. آغراق نخواهد بود اگر گفته شود بخشی از اعتبار هر کشور و ملت در جامعه جهانی و به ویژه در میان میلیونها جوان، موهون موفقیت های ورزشی این ملت ها و کشورهاست.

اما ورزش ایران بطور عام و فوتبال به طور ویژه، تحت قید و بندهایی که حکومت اسلامی بر آن تحمیل کرده است، دیگر مدت ها است که برای کشور ما پیروزی و افتخاری به همراه نمی آورد. سیاست ها و برنامه ریزی حاکم بر فوتبال ایران که به شکست های پی در پی منجر شده و آن را به یک قدرت درجه چندم در آسیا تبدیل کرده است، به حیثیت ملی ایران و غرور جوانان ایرانی لطمه زده است. شکست های پی در پی و ناکامی در هر میدانی که ایران به آن گام نهاده است احساسات پرشور جوانان ایرانی را جریحه دار کرده است.

هیچ انسان بی غرضی نمی تواند تأثیرات مهلک و کشنده سیاست هایی را که بر فوتبال ایران حاکم کرده اند، در سقوط فوتبال ایران منکر شود. دستگاه فوتبال ایران سالهاست که جولانگاه باندهای غیر مسئولی شده است که از ورزش هیچ نمی فهمند. انحصار مدیریت فوتبال در دست افراد بی صلاحیت و مجیز گوی رژیم، کنار گذاردن بخش بزرگی از صاحب نظران و ورزشکاران به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک و بالاخره فقر شدید امکانات مالی و مادی، عوامل بزرگ ناکامی است. تیم ملی المپیک ایران حتی زمین چمن مناسب برای تمرینات خود نداشت، یک دیدار تدارکاتی با تیمهای خارجی انجام نداد، بازیکنانش همواره غم نان داشتند و مربیانش تحت انواع فشارها و دخلت های ناپذیر عوامل رژیم بودند. مقابله چنین تیم ناآماده و روحیه باخت های با تیمی که اردوهای طولانی و مسابقات تدارکاتی فراوان را پشت سر گذارده و امکانات فراوانی در اختیار داشت، مقابله ای نابرابر بود. می توان همه تقصیرها را به گردن حسن حبیبی پسر مربی تیم ایران گذاشت و نامسئولان دستگاه ورزش کشور قطعاً چنین خواهند کرد، اما این روش راه پیروزی در میدان بعدی را هموار نخواهد کرد. هر مربی و تیمی تلاش خود را می کند که به بهترین نتایج ممکن دست یابد. بی شک این حکم در مورد ملی پوشان ما نیز صادق بوده است. تأسف اور اما این است که سیاست های ضد ورزشی حکومت گران ناکارندان کار را چنان کرده است که دیگر غیرت و مردانگی ورزشی جوانان ما نیز نمی تواند تیم ما را پیروز از میدانی مسابقه بیرون آورد.

قانونی کردن فشارهای...

می شوند. به عبارت دیگر هدف مخالفت کردن با عمل مجرمانه نیست، بلکه ایجاد مستمسکی برای تحت فشار قرار دادن دیگران است و در اصل قانونی کردن فشارهای غیر قانونی است که در شرایط کنونی از سوی عده ای بر دیگران اعمال می شود، هدف از میان بردن امنیت فکر، عقیده و بیان از طریق قانون است و حتی بالاتر از آن تنها به صاحبان اندیشه و فکر نیز محدود نمی شود، بلکه مردم عادی و غیرسیاسی و غیر متفکر را نیز در بر خواهد گرفت. این نوع مواد قانونی ترجیح بند کلیه محاکمات و احکامی خواهند شد که هدفشان قانونی کردن فشارهای غیر قانونی است. از نظر قانون مجازات اسلامی که به تصویب مجلس رسیده،

هزینه مسکن تمام در آمد حقوق بگیران را می بلعد

در فاصله یکسال اجاره مسکن در تهران بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است

مشکل روزافزون مسکن مردم در شهرهای بزرگ به ویژه تهران همواره حاد بوده است، اما چند سالی است که توصیف آن در قالب «حاد» دیگر کافی نیست. در شهر ۱۰ میلیونی تهران که اکثر ساکنان آن طبقات کم درآمد و ناگزیر به استفاده از مسکن استیجاری هستند، غول مسکن هستی آنها را به کام خود می کشد. رشد سریع جمعیت، عدم سرمایه گذاری در زمین مسکن، مهاجرت از روستاها، نرخ بالای مصالح ساختمانی و زمین و بازار داغ بورس بازی از عواملی هستند که مسئله مسکن را به یک مشکل حاد و بحرانی در شهرهای بزرگ کشور تبدیل کرده است. کارمند شرکتی می گوید ناگزیر است ۹۵ درصد حقوق خود را صرف هزینه اجاره مسکن نماید. نرخ متوسط اجاره یک واحد آپارتمانی در تهران از متوسط حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان بالاتر است.

دولت در زمینه مسکن نیز مانند بسیاری دیگر از بخش های اجتماعی و اقتصادی کاری نکرده و فاقد برنامه و برنامه ریزی در این زمینه است. فقدان ثبات اجتماعی و سیاسی و دورنمایی اطمینان بخش موجب شده بخش خصوصی نیز فعالیت مشغری در این عرصه نداشته باشد. خرید و فروش مسکن اکنون تقریباً راکد است، با این همه قیمت ها مدام در حال افزایش است و بیش از آن اجاره بهای مسکن.

دولت در زمینه مسکن را کاملاً به حال خود رها کرده است. خود اعتراف می کنند که برنامه هایشان در زمینه مسکن (معلوم نیست اساساً چه برنامه ای داشتند) در طول برنامه اول توسعه توفیقی نداشته است. این نیاز حیاتی مردم وسیله کثیف ترین شکل تجارت و کسب سود از طریق بورس بازی شده است. خود دولت نیز در این

کار دست دارد. بنیاد مستضعفان به اشکال گوناگون در بورس بازی زمین و مسکن شرکت دارد. جدول زیر اجاره بهای ماهیانه یک واحد مسکونی متوسط در مناطق مختلف تهران و مقایسه آن با قیمت های یکسال قبل است. این ارقام از طرق مراجعه خبرنگار

روزنامه رسالت به دفاتر و بنگاه های معاملات مسکن تهیه شده و احتمالاً ارقام واقعی قیمت ها بالاتر از اینها نیز هست. این قیمت ها غیر از ودیعه و یا پیش پرداختی است که مستأجر باید بپردازد و حداقل آن اکنون کمتر از ۵۰۰ هزار تومان نیست.

اجاره بهای ماهیانه مسکن در مناطق مختلف تهران واحد بریال	
منطقه	بهای مهرماه ۷۳
شرق تهران	۲۸۰/۰۰۰
بلوار چمران - تهرانپارس	۳۵۰/۰۰۰
خیابانهای ۲۲ و ۲۳ شرقی تهرانپارس	۲۸۰/۰۰۰
خاک سفید تهرانپارس	۲۱۰/۰۰۰
بلوار فردوس	۳۰۰/۰۰۰
باغ فیض	۱۸۰/۰۰۰
جنت آباد	۲۴۰/۰۰۰
سازمان برنامه (منطقه ۵)	۲۷۰/۰۰۰
فلکه صادقیه (آریاشهر)	۲۷۰/۰۰۰
فرشته	۵۰۰/۰۰۰
کامرانیه	۴۵۰/۰۰۰
زعفرانیه	۴۰۰/۰۰۰
میرداماد	۴۵۰/۰۰۰
حوالی میدان انقلاب	۲۸۰/۰۰۰
شهرک وصال (فرهنگیان) - جنوب تهران	۱۷۰/۰۰۰
نازی آباد	۲۲۰/۰۰۰

سیب زمینی کیلویی ۸۰۰ ریال

تخم مرغ دانه ای ۱۷۰ ریال

دانه تخم مرغ ۱۷ تومان بود و هر کیلو سیب زمینی به ۸۰ تومان سر زد.

مشکل سیب زمینی کمبود آنست. دولت صادرات سیب زمینی را ممنوع کرد اما تاثیری در کمیابی و افزایش قیمت آن نداشت. در عرضه تخم مرغ ظاهراً مشکلی نیست اما قیمت آن روز بروز افزایش می یابد. مرغداران دلیل گرانی تخم مرغ را گرانی دان و دارو و سایر وسایل مورد نیاز مرغداران می دانند که ناچارند آنها را از بازار آزاد تهیه کنند.

از اواخر تابستان امسال پس از وقفه ای کوتاه در رشد سریع قیمت ها، که بدنبال سیاست های جدید ارزی دولت و کنترل صادرات و واردات بوجود آمد، نرخ بسیاری از کالاهای پر مصرف نظیر گوشت، برنج، مرغ، پنیر، روغن، قند و شکر، تخم مرغ و سیب زمینی مجدداً روبه افزایش گذاشت. در دوسه هفته اخیر افزایش قیمت ها بسیار سریع بود، بطور مثال قیمت یک شانه تخم مرغ در دوسه هفته از ۳۵۰ تومان به ۴۷۰ تا ۵۰۰ تومان رسید. هفته پیش در تهران بهای هر

رونق بازار فروشگاههای «تانا کورا»

گرم زمستانی افزایش یافته است. تعداد این فروشگاهها در تهران و دیگر شهرهای کشور ماه به ماه افزایش می یابد. با ورود به هر یک از این فروشگاهها بوی مشمئز کننده مواد ضد عفونی کننده به مشام می رسد با این حال این مسافرها پراز جوانان، زنان و مردانی است که مشتاقانه در حال جدا کردن و انتخاب لباس هستند. در گرانی فوق تصور البسه، تهیه لباس از این فروشگاهها مفری برای قشرهای کم درآمد جامعه است. هر چند به رغم تاکیدات صاحبان اینگونه فروشگاهها مبنی بر سالم بودن لباسها، آلودگی آنها و امکان انتقال انواع بیماری منتفی نیست.

«تانا کورا» نامی است که مردم به فروشگاههای لباسهای کهنه و دست دوم داده اند. در این فروشگاهها لباسهای خارجی کهنه که در اساس در کشورهای ثروتمند جمع آوری و به عنوان کمک به کشورهای جنوب ارسال می شود، به فروش می رسد. این لباسها از طریق پاکستان به کشور ما راه می یابد و جزو کمکهای ارسالی به آوارگان افغانستان است، اما بخش بزرگی از آنها از طریق شبکه های ویژه وارد بازار کشورهایی چون هند و ایران و پاکستان شده و به فروش می رسد. با آغاز فصل سرما مراجعه به این فروشگاهها برای تهیه لباسهای

۲۱۵ شرکت ایرانی در ترکیه

مهاجرین ایرانی می باشند. در ترکیه هم اینک ۳ هزار و ۶۷ شرکت خارجی فعالیت دارند که کشور آلمان با ۵۵۵ شرکت در رده اول، آمریکا با ۲۲۲ شرکت در رده دوم و ایرانها با ۲۱۵ شرکت در مرتبه سوم قرار دارند.

۲۱۵ شرکت ایرانی در زمینه های مختلف تجاری، خدماتی و صنعتی در ترکیه مشغول فعالیت هستند که اکثر قریب به اتفاق آنها ارتباطی به جمهوری اسلامی ندارند و در واقع جزو سرمایه های فراری از ایران و گرداندان آنها

تولید فرش در آذربایجان

۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش یافت

۲۰ درصد کاهش یافته و همزمان قیمت آن نیز سقوط کرده است. بنابه آمارهای موجود قریب به ۱۴ میلیون نفر از جمعیت کشور به اشکال مختلف از صنعت فرش ارتزاق می کنند. فشار سنگین رکود در صنعت فرش مستقیماً روی میلیونها بافنده زحمتکشی است که تنها از این طریق امرار معاش می کنند.

با کاهش صدور صادرات فرش که در پی وضع مقررات تازه در باره صادرات و از جمله اخذ ضمانت نامه برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به کشور بوجود آمده، بازار فرش در داخل کشور نیز راکد شده و تولید آن نیز رو به کاستی گذاشته است. در آذربایجان شرقی که یکی از مناطق عمده تولید فرش در کشور است، تولید فرش ۱۵ تا

قیمت هر لیتر بنزین

در زاهدان ۵۰ تومان است

مردم درختان و بوته های اطراف کویر را که از توسعه آن جلوگیری می کنند، می کنند و به عنوان سوخت مصرف می کنند.

در حالی که مردم ایران بر روی دریایی از نفت و گاز زندگی می کنند در سیستان و بلوچستان، بخش هایی از شمال و آذربایجان مردم با کمبود سوخت مواجه هستند. در زاهدان ائتلاف وقت مردم در صف های طولانی جایگاههای مواد سوختی از جمله بنزین به چندین ساعت می رسد. در قصر قند طی ۶ ماه گذشته یک لیتر نفت سفید نیز توزیع نشده است. به دلیل کمبود شدید مواد سوختی و گرانی آن در بازار آزاد

و این حکایت همیشگی...



مدرسه تعطیل شده ام به اینجا آمده ام و در صف ایستادم. کلاس پنجم ابتدایی هستم. باید درس بخوانم و مشق بنویسم. اما بعد چه کسی برای ما گوشت کوپنی بگیرد؟ خبرنگار کیهان در گزارشی از یکی از صف های گوشت کوپنی یخ زده می نویسد: با دیدن چهره های نگران منتظران گوشت کوپنی یخی اولین سؤالی که به ذهنم می رسد این است که چرا این همه از دحام؟ چرا صنفهای طولانی کیلومتری؟ چرا تعداد انگشت شمار فروشگاهها؟ آیا چند فروشگاه انگشت شمار پاسخگوی نیاز تهران ۱۰ میلیونی هست؟ چرا مسئولین وزارت بازرگانی، ستاد بسیج اقتصادی و سازمان گوشت تا این حد به وقت مردم بی توجه هستند؟ چرا کیهان پاسخ نمی دهد چرا؟

ساعت ۷ صبح است. زن و مرد، پیر و جوان و بچه های قد و نیم قد کنار خیابان به انتظار کشوند در فروشگاه گوشت در صف ایستاده اند. می شمارم: یک، دو، سه، چهار... سی و شش، سی و هفت... دویست و پنجاه و چهار... هشتصد و نود و هفت... نه، تمام شدنی نیست! صف، سه راهی را دور زده و در خیابان بغلی به سوی جنوب کشیده شده است. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر: آقای خبرنگار بنویسید شاید مسئولان رسیدگی کنند. از ۷ صبح خانه و بچه ها را رها کرده به دنبال گوشت در صف ایستادم. الان که ساعت چهار و نیم بعد از ظهر است تازه موقف شده ام گوشت بگیرم، چه گوشتی، یخ زده و پر از آشغال! آقای خبرنگار بنویسید تا مسئولان بدانند. از وقتی از

۹۰ میلیارد دلار صادرات

در مدت سه ماه

صادرات این لوازم الکترونیکی است. آمریکا از خریداران عمده محصولات الکترونیکی از سنگاپور است که سالانه ۲/۳ میلیارد دلار کالا از این کشور خریداری می کند.

میزان صادرات کشور کوچک سنگاپور در سه ماهه سوم سال جاری میلادی به ۹۰/۳ میلیارد دلار رسید. تنها در ماه سپتامبر صادرات سنگاپور ۲۱/۲ میلیارد دلار بود. بخش قابل ملاحظه ای از

از ابتدای سال آینده

نرخ دلار

۲۵۰ تومان می شود

وزیر اقتصاد و دارایی روز شنبه ششم آبان اعلام کرد که نرخ دلار صادراتی از سال آینده بین ۲۵۰ تا ۲۷۰ تومان خواهد شد. در حال حاضر قیمت هر دلار صادراتی ۳۰۰ تومان است.

محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی که در جمع مدیران کل امور اقتصادی و دارایی استانها سخن می گفت در مورد حضور دلان ارز در بازار و سیاست دولت در قبال آنان اظهار داشت: بنا بر سیاستهای ارزی در سال جاری، تمامی ارز حاصل از صادرات باید به سیستم بانکی برگردد که با این کار حجم ارز در بازار آزاد کاهش یافته و دلان مجبور به ترک بازار ارز خواهند شد.

قیمت ارز اگر چه طی ماههای گذشته تا حدودی ثابت مانده است، اما پولی که در دست دلان است به سیستم بانکی باز نگشته است و دلان ارز همچنان مترصد شکستن قیمتها هستند. بنا به گفته وزیر امور اقتصادی و دارایی حجم نقدینگی موجود در دست بخش خصوصی به ۶۵۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است.

وزیر اقتصاد و دارایی در مورد افزایش بی رویه قیمت کالاها در بازار گفت: جلوی افزایش قیمتها را نمی توان گرفت اما اجرای سیاستهای تثبیت نرخ ارز سبب شد

مصاحبه محمدرضا شجریان باراد یو پژواک شعر نو حرف زمان ماست

محمدرضا شجریان استاد برجسته موسیقی ایران اخیراً همراه با پرویز مشکاتیان سلسله کنسرت‌هایی را در شهرهای اروپایی اجرا کرد که با استقبال حزب ایرانیان مقیم اروپا مواجه شد. شجریان در این کنسرت‌ها شعرهایی از شاعران معاصر همچون نیما، اخوان ثالث و شفیعی کدکنی را با آواز و ترانه اجرا کرد که مضمون آنها کمابیش بازتابگر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران امروز، وضعیت مهاجرین و... بود.

شجریان اوایل آکتوبر در سوئد با یکی از رادیوهای پارسی زبان محلی مصاحبه‌ای انجام داد که در آن انگیزه استفاده‌اش از شعر نو در کنسرت‌های اخیر خود و نیز نظرش در باره برخی از زوایای زندگی هنری در ایران را بازگو کرده است. بخش‌هایی از این مصاحبه را در زیر می‌خوانید.

«هنر باستانی به مانند آفتاب همه‌جا یکسان بتابد»
انگیزه شما از انتخاب شعر نو چیست؟

شعر نو هم زبان ماست. زبان دل مردم این زمانه است و هر چند که از نظر غالب و از نظر وزن فراموش می‌کند ولی از نظر محتوی بسیار ارزنده است و هر کدام در جای خودش می‌تواند پاسخگوی نیازهای عاطفی مردم باشد و هدفی برای گفتن داشته باشد. البته شعر نو حرف‌های زیادی



بزرگی است و لطمه‌اش را هم خواهند خورد.

به نظر شما در شرایط فعلی هنرمند چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

هنرمند می‌بایستی سروس‌های سرزمینش را با خواسته خاک با خواسته آب و هوا و خواسته مردمش را شناسایی کند و این را تا جایی که می‌توان برآورده کند، حرف حق را بایستی گفت، درست است که من می‌گویم کار سیاسی نمی‌کنم و در جهت یک دیدگاه خاص سیاسی و یک دسته خاصی قرار نمی‌گیرم، اما در ضمن می‌گویم من دارم کار سیاسی می‌کنم، چون می‌خواهم هنرمند را حفظ کنم، زبانم را حفظ کنم، هر جا که حس می‌کنم فشاری روی انسان و انسانیت هست این را بازگو کنم، حرف دلم را

برج قابوس، بلندترین بنای آجری جهان

برج قابوس بن وشمگیر در شهر گنبد کاووس در استان گرگان که ۱۰۰۰ سال از اجداث آن می‌گذرد، به عنوان بلندترین بنای آجری جهان شناسایی شده و قرار است در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت برسد.

برج قابوس یا میل قابوس از سطح زمین ۷۰ متر و از تپه‌ای که بر آن قرار گرفته ۵۵ متر ارتفاع دارد که شامل ۲۷ متر بدنه پره‌ای و ۱۸ متر مخروط رأس آن می‌باشد. این برج که ابتدا در کنار شهر گرگانج واقع شده بود اینک در مرکز شهر گنبد قرار گرفته و سالانه تعداد زیادی توریست از آن بازدید می‌کنند.



تولیدی جامعه‌مان که مرتب بایستی تقویت هم بشود توسط متولی آن از جریان خارج شده و راکنده مانده است.»

آنتی‌ک‌بیش از ۱۶ سال است، جمهوری اسلامی بر دامن فرهنگ و فرهنگسازان کشور ما

شرایط انتشار کتاب در جمهوری اسلامی سخت‌تر می‌شود

در چند ماه گذشته، سیاست‌های فرهنگ ستیزانه مسئولین رژیم و تقابلهای با تسولیک‌کنندگان و کوشندگان عرصه‌های فرهنگی کشور، فقط در اشکالی همچون روانه کردن حزب‌الله به خیابانها، حمله به انتشاراتی‌ها و کتابسوزان و توقیف چند روزنامه بازتاب نیافت.

ارگانهای رسمی از جمله وزارت ارشاد اسلامی نیز دست به کار شده‌اند و سیاست اعمال سانسور و فشار بر اهل قلم و بر ناشرین را تشدید کرده‌اند. مسئولین این وزارتخانه بازبینی و بررسی مجدد کتاب‌های چاپ شده و آماده توزیع و از جمله کتاب‌هایی که برای بار دوم و یا چندم به چاپ رسیده‌اند را معمول کرده‌اند و ضابطین آن از توزیع اینگونه کتاب‌ها قبل از بررسی مجدد

ممانعت به عمل می‌آورند. وزارت ارشاد اسلامی برای اعمال سانسور و ممانعت از چاپ آثاری که فکر و بیان و شکلی نا دلخواه حکومتیان دارند، از ترفندهای مختلفی استفاده می‌کنند: سردواندن ناشرین و عدم صدور اجازه چاپ، اعمال فشار بر نویسندگان برای تغییر متون، استفاده از اهرمهایی همچون کمبود کاغذ و سهمیه‌بندی، کشاندن نویسندگان و ناشرین به خود سانسوری از طریق جلوگیری از توزیع آثار چاپ شده و...

تا مدتی پیش روال عمومی وزارتخانه اعمال سانسور رژیم، وزارت ارشاد اسلامی، بر فشردن گلولی اهل قلم و ناشرین در گلوگاه صدور اجازه چاپ مبتنی بود. رژیم ممانعت از خروج کتاب «نامطوب» چاپ شده از صحافی و توزیع آن را کمتر به سود خود می‌دید و به عنوان روال عمومی، این شیوه را در پیش

نمی‌گرفت. اما اکنون متناسب با اوضاع و احوال عمومی کشور و سیاست‌های حاکم، بسیاری از کتاب‌های چاپ شده می‌بایست برای خروج از صحافی، و توزیع آن مجوز کسب کنند. اداره کل مراکز و روابط فرهنگی ارشاد اسلامی همه کتاب‌های مستشره (از جمله کتاب‌هایی که برای چندمین بار چاپ شده‌اند) را مورد بررسی مجدد قرار داده‌است.

در زمینه بازبینی آثار چاپ شده و راکنده ماندن سرمایه‌های مربوطه در شماره روزنامه سلام آمار و حقایق شایان توجهی ارائه شده است که عیناً نقل می‌شود:

«کل کتب منتشره در سال ۱۳۷۳، ۹۴۰۰ عنوان بود که اگر تیراژ متوسط هر کتابی را سه هزار نسخه و متوسط قیمت هر جلد کتاب را پانصد تومان بگیریم به رقم چهارده میلیارد تومان می‌رسیم که قیمت کل کتاب‌های چاپ شده در سال ۱۳۷۳ است، که اگر بخواهیم کوچکی این رقم را برای یک کشور شصت میلیونی با میزان باسوادان بالای هفتاد درصد نشان دهیم بد نیست سری هم به بخش دیگری از تولید بزنیم. مطابق گفته رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که در روزنامه سلام مورخ ۲۲ مهر نقل شده، مردم ما روزانه یک میلیارد در سال، سیصد و شصت میلیارد تومان بودجه صرف خرید سیگار می‌کنند. اگر فرض محال بر این باشد که تمامی کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۷۳ به فروش رفته باشد تازه می‌توانیم ادعا کنیم که مردم حدود ۴ درصد بول سیگارشان را در کشورمان صرف خریدن کتاب می‌کنند!!»

حالا ببینید در این یکی دو ماهه صدها میلیون و شاید چند میلیارد تومان از پول این بخش نحیف

گل را اگر از ترانه‌های من بگیرید
فصلی از چهار فصل من می‌میرد.
عشق را اگر از من... دو فصل!
و نان را اگر دریغ کنید
سه فصل کامل من مرده است
آزادی را اگر از ترانه‌های من بگیرید
سال، تمام سال خواهد مرد
من نیز می‌میرم.

شیرکو بی‌که س
شاعر معروف کرد (عراق)

دستورالعمل جدید وزارت آموزش و پرورش

ستیز با سرزندگی و شادابی

تنها دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی حق استفاده از مانتو شلوار دارای رنگ روشن را دارند و از دوره ابتدایی به بعد تنها استفاده از رنگهای طوسی، خاکستری، کرمی، سرمه‌ای، سدری، قهوه‌ای و مشکی مجاز می‌باشد. بر طبق اساسنامه مذکور پسران دانش‌آموز نیز باید لباسهایی بپوشند که «از نظر دوخت، مدل جیب‌ها، دکمه و... مطابق با عرف جامعه، ساده و در رنگهای مناسب...» باشد. «عرف جامعه» را ۱۶ سال است که ذوق و سلیقه فقها تعیین می‌کند و اگر زورشان می‌رسد همه آن انواع لباسهایی که با اشاعه مدرنیسم در ایران به کشور ما راه یافته‌اند را قدغن کرده و مردم را به پوشیدن لباسهای «دوره صدر اسلام» ترغیب می‌کنند.

باید و نیابدها و قید و بندهایی که حکومت اسلامی در مورد مسائل عمدتاً شخصی افراد اعمال می‌کند جامعه را به سوی مقاومت بیشتر و قسماً به سوی اخلاقی دوگانه سوق داده و میل به عجیب‌ترین و هنجارستیزترین مدها و لباسها را در بخشی از جامعه تشدید کرده است. این را خود فقهای حاکم نیز می‌دانند، اما راه چاره را در تشدید هر چه بیشتر قید و بندها یافته‌اند. تحرکات اخیر انصار حزب‌الله علیه زنان، صدور مجدد دستورالعملها شداد و غلاظی همچون دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش از جمله این «چاره‌جویی»های رژیم است.

خیام هم شاعر است و هم ریاضیدان

پیشنهاد بزرگداشت چهره‌های فوق را احسان نراقی به یونسکو ارائه کرده است و می‌داند که نراقی ضمن به عهده داشتن مشاورت مالی دبیر کل یونسکو، مشاور غیر رسمی و غمخوار جمهوری اسلامی نیز هست. بر کسی پوشیده نیست که خیام به خاطر رباعیاتش که در آنها منجم و ریاضیدان، از جامی به مناسبت ششصدمین سال زندگی‌اش و از نیما یوشیج پدر شعر معاصر ایران به انگیزه یکصدمین سال تولدش.

گرچه بزرگداشت چهره‌های برتر ادب و فرهنگ ایران در سطح جهانی و معرفی بیشتر آنها به جهانیان اقدامی پسندیده و درخور ستایش است، اما سؤال اینجاست که چرا خیام که در ایران و جهان بیش از هر چیز به خاطر رباعیات نابش مطرح و معروف است از سوی یونسکو تنها به عنوان منجم و ریاضیدان بزرگ داشته می‌شود.

در سایه قرار دهد.

پای صحبت از آب گذشتگان

در تمام ایام سال به ویژه در تابستان بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور به ایران سفر می کنند و بسیاری از هم وطنان نیز برای دیدار بستگان خود به خارج از کشور مسافرت می کنند. حاصل این سفرها انتشار وسیع اخبار وضع زندگی ایرانیان داخل و خارج کشور به یکدیگر است. آنچه در زیر می آید گزیده‌ئی است از سخنان هموطنان مقیم خارج از کشور است که در هفته‌های اخیر از ایران بازگشته‌اند:

● پس از سال‌ها زندگی در خارج از کشور امسال دو ماه در ایران بدم به من گفته بودند با کسانی که قبلاً فرار کرده بودند ولی حالا به کشور باز می‌گردند کاری ندارند. قبلاً یکی از دوستان کرد من به ایران رفته بود اما اجازه‌ی خروج مجدد به او نداده بودند. با این وجود از آنجا که مادرم به سختی بیمار بود و آرزو داشت که قبل از مرگ مرا ببیند، دل به دریا زدم و به ایران رفتم. در فرودگاه ما را جدا کردند و در مکانی نگه داشتند. در آنجا هر کسی که می‌گذشت متلکی به ما می‌گفت و شروع به بازجویی می‌کرد. عاقبت طاقتم طاق شد و گفتم چرا این مملکت قانون ندارد. من به چند نفر باید بازجویی پس بدهم. در سفارت به ما گفتند که

آزادید برگردید ما هم بجای ۲۲۰۰ تومان، دهه برابر آنرا به ارز خارجی پرداخت کردیم تا به ما پاسپورت دادند و پول سربازی را هم که جدا گرفتید، دیگر این اذیت‌ها و بازجویی‌ها به چه معنی است؟ سرانجام مرا پیش یک جوانک عصبانی بردند که پس از بازجویی و گرفتن پاسپورت به من گفت که ۵۰ هزار تومان جریمه‌ی خروج غیرقانونی است برو تا ببینم دادسرا چه تصمیمی خواهد گرفت. گفتم براساس کدام قانون باید ۵۰ هزار تومان بدهم. گفت برو رویت را زیاد نکن من دستم باز است که تا ۶۰۰ هزار تومان برایت جریمه بنویسم و از پاسپورت محروم کنم.

● برای اقامت دائمی پس از ۷ سال زندگی در خارج از کشور به ایران رفتم ولی بیش از یک و نیم سال تاب نیاوردم. در خارج از کشور اغلب بیکار بودیم و اختلافات خانوادگی مان روز بروز بیشتر می‌شد. از این رو یکبار تصمیم گرفتیم که به ایران برگردیم. رفتیم و با مشکلات زیاد پاسپورت ایران گرفتیم و عازم شدیم با وجودیکه در آنجا خانه‌ئی داشتیم و مقداری پول را هم با خود بردیم هرچه این در و آن در رژیم نه کار درست و حسابی گیرمان آمد و نه با سرمایه‌ی مختصری که داشتیم

می‌شد کاری را پیش برد. دخترم و پسر من در مدرسه معذب بودند. دخترم می‌گفت که در مدرسه آدم باید کارهای احمقانه‌ئی بکند که شایسته‌ی انسان نیست. سرانجام به این نتیجه رسیدیم که تا اعتبار اقامت تمام نشده است برگردیم. ● تابستان امسال برای دیدن خانواده‌ام به ایران رفتم. از آنجا که شوهرم سابقه‌ی فعالیت سیاسی داشت چند بار مجبور شدم که به مأموران سپاه پاسداران که مرتب از من در مورد شوهرم و دوستانش و فعالیت‌های سیاسی ایرانیان در خارج از کشور سؤال می‌کردند پاسخ دهم. آنها گاهی برای به حرف درآوردن من از تسهیلاتی که می‌تواند در داخل و خارج از کشور برای من و خانواده‌ام فراهم کنند سخن می‌گفتند. آرزو می‌کردم که این دفعه نیز بتوانم سالم از دستشان خلاص شوم. بعضی‌ها در ایران فکر می‌کنند که ما در خارج از کشور از رفاه و آسایش برخورداریم. که نه آنها درست وضع ما را درک می‌کنند و نه من دل خوش بدم که بعد از سال‌ها کشور و خانواده‌ام را می‌بینم. آنقدر فقر و بدبختی و مشکلات دیدم که یک چشم گریه‌آلود بود و یک چشم از شوق دیدار عزیزانم برق می‌زد.

جمعیت تهران افزایش باور

در آذربایجان چه دیدم

نفت، ساختار اجتماعی‌ای که در راه اروپائی شدن حرکت می‌کند و با چوامع اروپائی خود را مقایسه و با آنها رقابت می‌کند. رژیمی که نخست وزیر آن یک زن است و مجلسی که نمایندگان مرد آن کت و شلوار و کراوات بر تن دارند و برای مردم کار می‌کنند. این تصویری است که شبکه‌های تلویزیونی ترکیه از این کشور و رژیم آن به مردم آذربایجان نشان می‌دهد.

مردم آذربایجان ایران که دیگر جمهوری آذربایجان در آن سوی رود ارس برایشان هیچ جاذبه‌ای ندارد، سیستم حاکم در آنجا را - که به هر حال زمانی سوسیالیستی نامیده می‌شد - قبول ندارند و از مردم آنجا تصویر منفی به ذهن دارند به دنبال قبیله‌ای جدید که همانا ترکیه باشد، می‌گردند.

جوانانی که در سالهای گذشته شیفته‌ی باکو بودند، تنها به موسیقی آذربایجان شوروی گوش می‌دادند و حاضر به شنیدن هیچگونه انتقادی درباره‌ی آن سیستم نبودند، امروز موسیقی ترکی آذربایجان را جایگزین موسیقی آذری کرده‌اند. اگر در تهران معین خواننده محبوب جوانان است، در تبریز و ارومیه این ابراهیم تاتلی‌سس ترک است که در دلها جای باز کرده‌است. متأسفانه گاه دیده می‌شود که حتی جوانانی که

بتمام فشاری که رژیم به مردم برای پایین آوردن انتهای مآهواره‌ای آورده است هنوز بسیاری کسانی که از انواع کوچک آن که قابل نصب در پنجره‌ها می‌باشند استفاده می‌کنند و آنتن خود را روی غرب میزان می‌کنند و می‌توانند حداقل ده کانال تلویزیونی ترکیه را ببینند.

تأثیرات این برنامه‌ها در ایران قابل تعقیب و بررسی است من به عنوان یک آذربایجانی گوشه‌ای از مشاهدات خود را بازگو می‌کنم.

در آذربایجان به خاطر نزدیکی زبان ترکی استانبولی و آذری، مردم برنامه‌های تلویزیونی ترکیه ترجیح می‌دهند و این برنامه‌ها کاملاً جای برنامه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی را گرفته‌اند و در آنجا (در مقام مقایسه با نقاط دیگر ایران) بیشتر می‌توان تأثیرات آن را مشاهده کرد. در مجموع می‌توان گفت در میان مردم بخصوص جوانان و کودکان آذری یک نوع گرایش نسبت به زبان ترکی استانبولی، کشور ترکیه و حتی رژیم ترکیه پدیدار گشته است. تبلیغات جهت دار رژیم ترکیه این توهم را در میان مردم به وجود آورده است که نظام سیاسی ترکیه و سمت‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی این کشور، یک نمونه قابل قبول است. اقتصادی ظاهراً با رونق آنهم بدون

هنوز مسائل سیاسی کشور و منطقه را دنبال می‌کنند، مدافع رژیم ترکیه هستند، از چشم آنها به جهان می‌نگرند و بعضی حتی جنایات این رژیم در قبال مردم کرد این کشور را تأیید می‌کنند.

زبان آذری که به خاطر ستم ملی بر مردم آذربایجان از تکامل مطلوب بازمانده است، اکنون رقیبی تازه پیدا کرده است. ترکی استانبولی که به کمک تلویزیون ترکیه در میان مردم آذربایجان اشاعه می‌یابد کودکان و نوجوانان آذربایجانی که ماهواره دارند فقط برنامه‌های تلویزیونی ترکیه را نگاه می‌کنند. مسلم است که این کودکان بعد از شنیدن کلمات مشابه و احساس نزدیکی، در یادگیری کامل زبان ترکی استانبولی سعی داشته‌اند و بعد از ۲ سال می‌توانند اشعار نگران‌کننده‌ی این برنامه‌ها را در یاد کودکان در صحبت کردن با پدر و مادر خود از جملات و کلمات ترکی استانبولی استفاده می‌کنند.

من روندهای جاری را چنان نگران‌کننده دیدم که اکنون هراسناکم که اگر اوضاع بدین گونه پیش رود، چه بسا به هم‌پیوندی آذربایجان با نقاط دیگر ایران لطامت جبران‌ناپذیر وارد آید.

آذربایجان ایران در سده‌های اخیر پیوندهای عمیق و محکم اجتماعی و اقتصادی با سایر نقاط

نکردنی یافته است زیرا با ورشکستگی روستاها و شهرهای کوچک مردم به شهرهای بزرگ هجوم می‌آورند. ابتدا فکر می‌کردم که در خانه‌های زیادی باید آنتن ماهواره‌ئی باشد اما با تعجب دیدم که فقط عده‌ی معدودی این آنتن‌ها را دارند. مردم تقریباً تلویزیون نگاه نمی‌کنند مگر از ساعت ۱۱ شب به بعد که فیلم‌های خارجی به نمایش گذاشته می‌شود. علاقه‌ی مردم به رادیو بیشتر و به روزنامه‌خوانی از قبل کمتر شده است. مردم آنقدر گرفتار تأمین مایحتاج اولیه‌ی زندگی خود هستند که کمتر به سیاست فکر می‌کنند.

پیرمردی از بستگانم مریض احوال بود شب حالش بهم خورد، او را به بیمارستان بردیم گفتند باید فوراً عمل شود و ۵۰ هزار تومان باید پیش پرداخت بردازید. گفتیم صبح که بانگ باز شد می‌دهیم گفتند نمی‌شود. ناچار شدیم نصف شب سراغ یکی از اقوام که کاسب بود و پول نقد در خانه داشت برویم و پول را تهیه کنیم تا آنها پیرمرد بیچاره را عمل کنند. قیمت دلار دولتی ۳۰۰ تومان بود اما در بازار آزاد می‌شد آنرا بصورت پنهانی با نرخ ۴۵۰ تومان تهیه کرد.

خبرهای علمی

بچه‌ها بیشتر می‌خندند

بنظر می‌رسد که انسان‌ها در طول زندگی لبخند زدن را فراموش می‌کنند. طبق آمار اعلام شده توسط یک گروه روانشناسی آمریکایی بچه‌ها بطور متوسط روزی ۴۰۰ بار لبخند می‌زنند، در حالی که افراد بالغ حداکثر روزی ۱۵ بار صورت کمی دوستانه‌تر به خود می‌گیرند. روانشناسان علت را در اخلاق اجتماعی می‌دانند زیرا هیچکس نمی‌خواهد تأثیری زیاده از حد دوستانه روی دیگران بگذارد.

کاربرد گیاهان در پاکسازی محیط زیست

پژوهشگران مشغول بررسی کاربرد گیاهان در آلودگی زردانی هستند. آزمایش‌ها ثابت کرده‌اند که می‌توان با استفاده از بعضی گیاهان آب و خاک را از آلودگی جدا نمود. از جمله مشاهده شده است که گیاه خردل هندی می‌تواند فلزات سنگین نظیر سرب و کادمیوم را جذب کند و به این صورت خاک را تصفیه نماید.

تکنولوژی جدید استفاده از گیاهان در آلودگی زردانی "Phytomediation" در حال تثبیت جایگاه علمی خود است. آیا این روش جدید می‌تواند آب و خاک را در مقابل رشد بی‌مهار جامعه‌ی صنعتی حفظ کند؟ سؤالی است که بررسی‌های بیشتر آنرا روشن خواهد کرد.

نمایشگاه نقاشی‌های کامپیوتری

در ماه ژوئن گذشته موزه‌ی کامپیوتر در بوستون اولین نمایشگاه نقاشیهای کامپیوتری را افتتاح کرد. این نمایشگاه حاصل ۲۵ سال کار هارولد کوهن است. هارولد کوهن نقاش معروف آستره در دهه‌ی ۶۰ می‌باشد. او سازنده‌ی یک برنامه‌ی کامپیوتری به نام آرون است که می‌تواند به صورت مستقل نقاشی کند. آرون شامل مجموعه‌ای از برنامه‌های تکنیکی و فنی نقاشی باضافه‌ی داده‌هاییست که در مورد طبیعت و دنیا به او داده شده از جمله اینکه درخت‌ها و صخره‌ها بر روی زمین و ابرها در آسمان قرار دارند. آرون با همین امکانات و داده‌ها می‌تواند مستقلاً تابلوهای نقاشی رنگی جالبی بوجود آورد.

در حال حاضر آقای کوهن مشغول مذاکرات است تا بتواند نمایشگاه نقاشی‌های آرون را در موزه‌های اروپائی از جمله موزه‌ی ژرژ پمپیدو در پاریس نیز به نمایش بگذارد.

ساختن بدنه‌ی اتومبیل از موز

کمپانی مرسدس در نظر دارد به تدریج از مصرف مواد مصنوعی در ساخت بدنه‌ی اتومبیل بکاهد و به جای آن از مواد طبیعی مانند فیبرهای نارگیل، شیرهی گیاهان و پشم حیوانات استفاده کند. مثلاً برای ساختن پوشش داخل درها مخلوطی از پشم و الیاف گیاهی تحت فشار زیاد با یک ماده‌ی واسطه چسبیده می‌شوند و ماده‌ای مستحکم و مقاوم می‌سازند. چنین ماده‌ای از نظر تهیه ساده است و از نظر استحکام دست‌کم از مواد مصنوعی ندارد. آزمایشگاه‌های سازنده هم اکنون دست اندرکار پروژه‌ی استفاده از تقویت کننده‌ی ؟؟؟؟ های پوست استر می‌باشند.

مرگ‌های اجتناب‌پذیر

بررسی مرگ‌هایی که در سرتاسر جهان روی می‌دهند نشان داده است که اکثریت مرگ‌ومیرها بر اثر ابتلا به بیماری‌های قابل علاج می‌باشند. گزارش سالانه‌ی سازمان بهداشت جهانی حاکی از مرگ ۲۰ میلیون نفر بر اثر ابتلا به بیماری‌های واگیردار قابل کنترل می‌باشد و بیش از نیمی از انسان‌ها اصولاً به بهترین داروها دسترسی ندارند. لازم به تذکر است که در کشورهای صنعتی دلیل اصلی مرگ‌ها در چهار کلمه خلاصه می‌شود: "روش‌های ناسالم در زندگی" که بر اثر تغذیه‌ی نادرست، فشارهای روانی، نوشیدن الکل و استعمال دخانیات بوجود می‌آیند.

حرکت قاره‌ی استرالیا

فرضیه‌ی انتقال قاره‌ها که دهه‌ها پیش توسط زمین‌شناسان مطرح و بعداً به تدریج بر اساس یافته‌های زمین‌شناسی مورد قبول همه‌ی دانشمندان قرار گرفت، بار دیگر به کمک ماهواره‌ها تأیید شد. به عنوان نمونه جمع بندی اخیر محاسبات انجام شده بر مبنای داده‌های ماهواره‌ای توسط سیستم تعیین مکان کره‌ی زمین (GPS) نشان داده است که قاره‌ی استرالیا با سرعت ۵ سانتی متر در سال به سمت شمال شرقی در حال حرکت است.

موفقیت یک پروفیسور ایرانی در فرانسه

خبر موفقیت یک پروفیسور ایرانی در تلویزیون و مطبوعات فرانسه انعکاس وسیعی داشت. پروفیسور گنج بخش یکی از چهره‌های سرشناس و موفق بین‌المللی در رشته‌ی جراحی و پیوند قلب می‌باشد که در فرانسه ساکن است.

اکیب جراحی قلب به ریاست دکتر گنج بخش موفق شده‌اند برای اولین بار عمل جراحی روی رگ‌های قلب یک بیمار فرانسوی را بدون باز کردن قفسه‌ی سینه انجام دهند. عمل از طریق فرستادن سوندی مجهز به دوربین و وسایل جراحی و از طریق صفحه‌ی تلویزیون انجام شده است.

علاوه بر تلویزیون فرانسه که در بخش پربیننده‌ی اخبار شب خود با دکتر گنج بخش مصاحبه کرد، روزنامه‌های معتبر لوموند و اومانیت نیز بخش قابل توجهی را به توضیح خبر و درج عکس و مصاحبه با پروفیسور گنج بخش اختصاص داده‌اند.

ارتباط با رفت و آمد به شهرهایی جز محل اقامت ایجاد شده است و بسیاری از پناهندگان را بیکار کرده‌اند. با اینهمه پناهندگان همه دشواری‌ها را در مقابل بازگشت اجباری به منطقه خود مختار کردستان به جان خریدار هستند چرا که درگیری‌ها و مشکلات شدید و عدم حکومت قانون پس از تبدیل کردستان عراق به مخروطه توسط رژیم بعث امکان زندگی طبیعی در آن منطقه را نامحتمل ساخته است. روستاها ویران‌اند و احزاب کردستان چون حزب دموکرات و اتحادیه‌ی میهنی نتوانسته‌اند منافع و خواسته‌های مردم زحمتکش کردستان را نمایندگی کنند.

بقیه در صفحه ۱۰

کردهای عراقی برای ترک ایران تحت فشار قرار دارند

کرده‌اند و امروز یا کار می‌کنند و یا به تحصیل ادامه می‌دهند و فرهنگ ایرانی را کسب کرده‌اند بیشتر صادق است. گرچه پناهندگان اعم از کرد و عرب و آذری و افغانی همانند اکثر مردم ایران از دیرباز از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحت فشار شدید بودند اما حداقل به عنوان پناهنده شناخته می‌شوند. ولی بعد از پایان جنگ خلیج فارس و تأسیس حکومت به اصطلاح خودمختار کردستان، فشار مقامات جمهوری اسلامی بر پناهندگان رو به افزایش است. محدودیت‌هایی در

کردستان عراق یا مناطقی که در آن درگیری‌های نظامی روی می‌دهد، کرده است. در میان این افراد کسانی یافت می‌شوند که بعد از قرارداد سال ۱۹۷۵ در الجزایر به ایران آمده و پناهندگی سیاسی گرفته، در شهرهای گوناگون سکنا گزیده‌اند. بسیاری در این سال‌ها از نظر شغل و مسکن موقعیت تثبیت شده‌ای یافته، به فرهنگ و محیط ایران خو گرفته‌اند. این امر بویژه در مورد کودکان، نوجوانان و جوانان (نسل دوم) که پس از سال‌ها آوارگی پدران و مادرانشان در ایران تحصیل

گروهی از پناهندگان کرد مقیم سوئد نامهای به دفتر نشریه «کار» ارسال و گوشه‌هایی از فشارهایی که رژیم جمهوری اسلامی بر پناهندگان کرد عراقی مقیم مین ما وارد می‌آورد، را توضیح دادند. در این نامه آمده است:

با سلام و درود به شما دست اندرکاران نشریه کار. ما گروهی از پناهندگان کرد مقیم سوئد از شما درخواست حمایت و پشتیبانی از پناهندگان کرد عراقی مقیم ایران را داریم چرا که رژیم جمهوری اسلامی در چند ماه گذشته، به سیاست اخراج دسته‌جمعی آنها روی آورده و بسیاری از آنها را روانه نواحی بدون امکانات معیشتی

۵- دشواری‌های واقعی در روند گذار به دموکراسی

همانگونه که در بخش قبلی گفتیم، تئوری‌ها همیشه انتزاعی و استرلیزه هستند در نتیجه بسیار شسته و رفته‌تر از واقعیت به نظر می‌رسند. برای آنکه درکی واقعی‌تر از گذار به دموکراسی ارائه کنیم، ضرور است که به برخی از دشواری‌ها با نمونه‌های واقعی رجوع کنیم.

● دموکراسی محدود - همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، آغاز روند دموکراسی، یک دموکراسی محدود است. به این معنا که سیستم سیاسی برخی عناصر دموکراتیک را در خود دارد ولی در عین حال برای رقابت، مشارکت و آزادی محدودیت‌هایی وجود دارد، به علاوه نزدیکان حاکمه در سیستم قبلی این حق را برای خود ملحوظ می‌دارند که در روندهای دموکراسی، برای حفظ منافع خویش دخالت‌هایی بکنند. نمونه برزیل گویاترین شاهد بر چنین وضعی است. رژیم نظامیان که در سال ۱۹۶۴ روی کار آمده بود، پس از ۲۰ سال به آغاز دموکراسی تن داد. نقطه‌ای اوج این روند ایجاد «جمهوری نوین» در کشور و انتخاب رئیس‌جمهور غیرنظامی در سال ۱۹۸۵ بود. روی کار آمدن غیرنظامیان در واقع از سوی ائتلافی متشکل از نظامیان و غیرنظامیان قدرتمند در کشور حمایت می‌شد. سلسله‌ای از موافقت‌نامه‌ها برای انتقال قدرت طراحی شدند، که محدودیت‌هایی برای دموکراسی ایجاد می‌کرد. از جمله اینکه نظامیان نفوذ معینی در امور داخلی کشور برای خود حفظ کردند. نفوذ مورد بحث در قانون اساسی تازه قید شده بود. مهم‌تر اینکه ۶ تن از اعضای کابینه ۲۲ نفره رئیس‌جمهور جدید از نظامیان بودند. نظامیان در برکنار کردن دولت‌های محلی (استانداری و شهرداری‌ها) هم حقوق محفوظ شده‌ای داشتند.

همین روند در اروگوئه با نفوذ کمتر نظامیان پیش رفت، لکن مدافعین روند، ائتلافی از صاحبان قدرت اقتصادی در کشور بودند. حالت بینابینی در شیلی قابل ملاحظه است. نخستین مراحل دموکراسی به طرز جدی توسط سران حکومت قبلی (دارودسته‌ی پینوشه) کنترل می‌شد. لکن نظامیان مدافع دیکتاتوری در همه‌پرسی سال ۱۹۷۷ که ادامه‌ی نفوذ آنها را مورد پرسش قرار می‌داد، باختند و اپوزیسیون دست بالا در انتقال قدرت را در دست گرفت. از یاد نباید برد که علیرغم این تحول، پینوشه هم‌چنان نفوذ معینی در ارگان‌های غیردموکراتیک (نظیر شورای امنیت ملی) و نیروهای نظامی کشور دارد.

چنین توافقاتی بین نخبگان حاکم در رژیم سابق و اپوزیسیون، ادامه یافتن روند دموکراسی را تضمین می‌کند. جنبه‌ی منفی قضیه البته کندتر پیش رفتن روندهاست. چنین محدودیت‌هایی بویژه در عرصه‌ی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی قابل ملاحظه است. نکته‌ی دیگر آن است که نظامیان حاکم به شدت مقابل به دادگاه کشیدن مجرمان ضد حقوق بشر در رژیم سابق می‌ایستند.

شرایطی که برای دموکراسی محدود در آمریکای لاتین گفتیم با شباهت‌های کم و بیش در مناطق دیگر جهان هست که روند دموکراسی قابل مشاهده است. مهم این نیست که نظامیان یا غیرنظامیان محدود کننده‌ی دموکراسی هستند، مهم آن است که عناصر غیر دموکراتیک در یک مرحله گذار، نفوذ معینی در سیر حوادث دارند.

● دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی - یکی از اساسی‌ترین مسائلی که تحولات اخیر دموکراتیک در جهان با آن مواجه می‌شوند، همانا دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی است. وجود این دشواری‌ها هم، غیر منظره نیست، زیرا درست همین بحران‌ها غالباً به

تعمقی پیرامون جنبه‌های عملی روند دموکراسی

اردشیر حکیمی

(۳)

روندهای دموکراسی با دشواری و حتا خطر بازگشت مواجه خواهد شد.

● تشکل‌های توده‌ای - بحث‌هایی که تاکنون پیش بردیم ممکن است این تصور را به وجود آورد که تحولات سیاسی از بالا تنها به نخبگان و قدرتمندان سیاسی مربوط است که توده‌ی مطیع و سربراه و ناآگاه به امور سیاسی را این سو و آن سو می‌برند. چنین تصویری اشتباه محض است. حتا در شرایطی که نخبگان، عامل هدایت‌کننده‌ی جابجایی در قدرت سیاسی هستند، مردم فعالانه در امور مربوط به خویش مشارکت می‌ورزند. مردم عادی، زن و مرد، کارگر، دانشجو، دهقان، کارمند و غیره این خطر را به جان می‌خرند که در تبلیغات علیه رژیم‌های استبدادی شرکت کنند، در اتحادیه‌ها و انجمن‌های گوناگون متشکل شوند و با تشکل‌هاشان در روند تحولات مؤثر واقع شوند و استبداد حاکمه را به زیر سؤال برند.

در برخی موارد جنبش‌ها و تشکل‌های مختلف توده‌ای گردهم می‌آیند و به نام «مردم» طلب دموکراسی و برکناری رژیم مطلقه را می‌کنند. نکته این‌جاست که چنین تشکل‌هایی در دوران حکومت استبدادی شروع به شکل‌گیری می‌کنند و پس از باز شدن فضای سیاسی، مرحله‌ای تازه را آغاز می‌کنند. این تشکل‌ها از یک سو هماری توده‌ای و کمک به یکدیگر را پیش می‌برند از سوی دیگر پایه گذار اسکلت‌های ساختمان دموکراسی می‌شوند، چیزی که در علوم سیاسی آن را «جامعه‌ی مدنی» Civil Society می‌نامند، که دربرگیرنده‌ی تمامی تشکل‌های مردمی خارج از کنترل و اداره‌ی دولت است مثل اتحادیه‌های صنفی، سندیکاهای کارگری و کارمندی، مطبوعات آزاد، انجمن‌ها و تشکل‌های مذهبی و بالاخره احزاب سیاسی.

به تجربه‌ی آمریکای لاتین که نگاه کنیم به اشکال متفاوتی از این «جامعه‌ی مدنی» که خارج از مدار قدرت حکومت‌ها شکل گرفتند، برمی‌خوریم از جمله تعاونی‌های خانه‌سازی، انجمن‌های مراقبت‌های پزشکی و درمانی، حلقه‌های آموزشی و فرهنگی، تعاونی‌های مصرف و تولید و غیره. پژوهشگران، این تشکل‌ها را «جنبش‌های اجتماعی نوین» new social movements نام داده‌اند که به لحاظ فرم با اشکال سنتی تشکل‌های توده‌ای متفاوت هستند. این تفاوت در فرم بعضاً برای فرار از محدودیت‌هایی بوده که دولت‌های استبدادی در برابر اشکال شناخته شده تشکل‌های توده‌ای ایجاد کرده بودند.

در جریان آغاز روند گذار به سوی دموکراسی تشکل‌های دیگری شکل می‌گیرند که اهداف صریح‌تر سیاسی و اجتماعی دارند نظیر جنبش‌های دفاع از حقوق بشر، کمیته‌های عفو و غیره که مورد حمایت تشکل‌های پیش گفته قرار می‌گیرند. قدم بعدی در ادامه‌ی روند گذار به سوی دموکراسی، ایجاد تشکل‌های سنتی مثل اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای کارگری و غیره است.

همانگونه که پیش‌تر هم گفتیم این تشکل‌ها اولاً مکتبی برای پرورش مردم با روحیه‌ی دموکراسی، کار جمعی، سازش و مدارا و انتخاب نماینده و خلاصه سازمان‌یابی است، یعنی گذار از توده‌ی بی‌شکل و آماده‌ی جهش‌های خودبخودی و بعضاً تخریب‌گرایانه

بی‌اعتباری رژیم‌های دیکتاتوری و انتقال قدرت می‌انجامد. لذا رژیم جدیدی که روی کار می‌آید، وارث این دشواری‌ها خواهد بود. برای نمونه در آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۷، بهره‌ی وام‌های خارجی حدوداً چیزی برابر با نصف درآمد ناخالص ملی در کشورهای مختلف بود. علاوه بر این حکومت‌ها باید با تورم مقابله می‌کردند در عین آنکه باید از کساد بازاری و گسترش بیکاری جلوگیری می‌کردند، کاری که در وهله‌ی نخست مانع‌الجمع به نظر می‌رسد. مشابه چنین وضعیتی در اروپای شرقی قابل ملاحظه است. تحول سیاسی در این کشورها باید با دگرگونی‌های ژرف اقتصادی همراه می‌شد. این امر به توبه‌ی خود پیامدهای اجتماعی مهمی داشت و برپایه‌های رژیم دموکراتیک اثر می‌گذاشت. مشکل دیگر هم این بود که هیچ نسخه‌ی آماده‌ی یا تجربه‌ی قبلی برای گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی به اقتصاد بازار آزاد در جهان وجود نداشت.

اقتصاد برنامه‌ریزی در دور بسته‌ای از کساد و رکود، فقدان نوآوری و پایین آمدن سطح و کیفیت تولیدات می‌گشت. تحولات اقتصادی ۲ هدف را باید پیش می‌برد. اولاً اقتصادهای بسته را به اقتصاد دردم آمیخته با اقتصاد جهانی تبدیل می‌کرد. ثانیاً مالکیت دولتی و جمعی را به مالکیت خصوصی تبدیل می‌کرد. در مورد نخست، شکل آن بود که تفاضل برای واردات به طرز چشمگیری به قدرت این اقتصادها برای صادرات می‌چربید. همین مسئله باعث عدم تعادل در بازرگانی خارجی و در نتیجه افزایش وام‌های خارجی می‌شد (این امر در مجارستان و لهستان حتا در سال‌های قبل رخ داد). دولت‌های دموکراتیک در دهه‌ی ۹۰ با انتظارات وسیعی که مردم برای کالاهای خارجی داشتند، قدرت تامین ارز برای این نیازها را نداشتند و تعادل بازرگانی خارجی به امسری دشوار برای آنها تبدیل شد. در مورد دوم هم بزرگترین مشکل آن بود که نهادهای لازم برای کارکرد اقتصادی بازار آزاد در این کشورها موجود نبود، برای نمونه سیستم بانک که وام و اعتبار دهد، سیستم مالیاتی مؤثر که بودجه‌ی دولتی را تأمین کند، سیستم حقوقی و قضایی که حق مالکیت و ادامه‌ی قراردادهای و مجازات نقض معاهدات و غیره را تضمین کند. چنین نهادهایی هم یکشنبه وجود نمی‌آید و گاه برای شکل گرفتن و تربیت کادر به سال‌ها و دهه‌ها زمان احتیاج است.

مسئله‌ی سوم روانشناسی مردمی بود که در این تحولات سریع اقتصادی آسیب دیده بودند و اکثریشان در مقابل آن موضع منفی داشتند ولی واقعیت این است که چنین تحولاتی دست کم در کوتاه مدت به افشار ضعیف‌تر جامعه آسیب می‌رساند. مسئله‌ی آخر هم اینکه وقتی قرار است مالکیت دولتی و عمومی به مالکیت خصوصی تبدیل شود، چه کسانی باید مالکین جدید شوند. آیا همان‌هایی که در رژیم گذشته قدرت و امتیاز داشتند، صاحبان سرمایه‌ی جدید و در نتیجه صاحبان تازه‌ی قدرت نخواهند شد؟ موقیبت حزبی‌ها در اروپای شرقی بعضاً با موقیبت نظامیان آمریکای لاتین در پروسه‌ی تحولات دموکراتیک مقایسه می‌شود. اینها نیز در واقع امر عوامل محدود کننده‌ی دموکراسی‌ها هستند. جان کلام این است که بدون تحولات اقتصادی و برپایی نهادهایی که عملکرد موقیبت‌آمیز توسعه‌ی اقتصادی را تضمین می‌کند،

دموکراسی همیشه دموکراتیک نبوده است

بقیه از صفحه ۱۱

حق رای مساوی و همگانی

حتی در «میل» هم نمی‌توان برداشت مدرن از دموکراسی به معنی حق رای همگانی و مساوی را ملاحظه کرد. او از پیشگامان حق رای برابر برای مردان و زنان بود، ولی او نیز خواهان آن بود که این حق تنها به کسانی داده شود که توانایی خواندن و نوشتن و حساب کردن داشته باشند و «مساعده مالی» ویژه فقرا را دریافت نمی‌کنند. «میل» معتقد بود دارندگان تحصیلات عالی به باید از چند حق رای برخوردار باشند، مثلاً یک کارفرما ۲ رای و یک استاد دانشگاه از آن نیز بیشتر حق رای داشته باشد.

مبارزه برای حق رای همگانی برای مردان، قبل از همه از طرف جنبش

کارگری مطرح شد و بتدریج لیبرال‌های رادیکال نیز به این مبارزه پیوستند. در اواخر قرن نوزدهم دموکراسی عمدتاً به مثابه سیستم نمایندگی و حق رای همگانی برای مردان تلقی می‌شد. خواست حق رای برای زنان، عمدتاً توسط جنبش‌های زنان پیگیری می‌شد و از طرف برخی لیبرال‌ها و سوسیال دموکرات‌ها حمایت می‌گردید. ولی این حمایت نسبتاً ضعیف بود. اولین بار در دهه دوم قرن بیستم، هنگامی که حق رای همگانی در بخش‌های بزرگی از اروپا جامه عمل پوشیده بود، حق رای همگانی مساوی، هم برای مردان و هم برای زنان، به یک برداشت عمومی تبدیل شد.

در این زمان سه اصل مهم دموکراسی مدرن تحقق یافت: دموکراسی به مثابه نظام نمایندگی، در دهه آخر قرن هیجدهم در انقلاب

فرانسه به وجود آمد. دموکراسی به مثابه حمایت و احترام به حقوق اقلیت از طرف لیبرال‌ها در قرن نوزدهم پیگیری شد و دموکراسی به مثابه حق رای مساوی و همگانی، قبل از همه از طرف جنبش کارگری و زنان دنبال شد.

امتیاز ویژه و همگانی

بعد از پایان جنگ جهانی دوم، همه نیروهای مهم سیاسی خود را دموکرات نامیدند. دموکراسی بهمانند آزادی در دهه آخر قرن هیجدهم، به نقیض یک امتیاز ویژه در نظر گرفته شد. امروز اغلب دموکراسی به عنوان مفهومی فرا ایدئولوژیک یا به عبارت دیگر مفهومی که همه‌ی احزاب سیاسی در مورد آن اتفاق نظر دارند، شناخته می‌شود. البته این فقط بخشی از واقعیت است. طرفداران جریان‌های مختلف سیاسی در مورد بسیاری از مفاهیم دموکراسی هم نظرند ولی نه در مورد همه آن. هیچ گاه یک دیدگاه کاملاً مشترک در باره دموکراسی بین جریان‌های عمده سیاسی کشورهای غربی وجود نداشته است.

به توده‌ی سازمان یافته، آماده‌ی بحث، مذاکره و سازش. برخلاف برخی دیدگاه‌های رایج (و نادرست)، رفرمیسم، مبلغ و سازمانگر تشکل‌های توده‌ای است و در نقطه‌ی مقابل، توده‌ی بی‌شکل و آماده‌ی انفجار، ماده‌ی مستعد برای انفجارهای انقلابی است.

تجربه‌ی انتقال به دموکراسی در اروپای شرقی از پیچیدگی بیشتری برخوردار بود، به این معنا که در آغاز شروع روند، حتا عناصر اولیه‌ی «جامعه‌ی مدنی» تقریباً وجود نداشت. تمام جنبه‌های زندگی مردم (زنگهواره تا گور) در کانالی سازمان‌هایی هدایت می‌شد که تماماً تحت کنترل دولت بود. در نتیجه وقتی روند گذار شروع شد، جنبش‌های دموکراسی، بیشتر شبهه یک جنبه‌ی عمومی مردمی بود تا سازمان‌های جداگانه و دارای ساختار تشکل‌های شناخته شده. این جنبه‌ها به سرعت دچار انشقاق و انشعاب شدند، اما پروسه‌ی ایجاد جامعه‌ی مدنی از احزاب تا اتحادیه‌های صنفی مستقل و غیره، روندی است که تازه آغاز شده است و با دشواری در حال پیشرفت است. ضعف همین عامل باعث لرزان بودن پایه‌های دموکراسی در این منطقه است. یک نکته‌ی دیگر هم در مورد تشکل‌های مردمی در جریان گذار به دموکراسی قابل ذکر است که در جریان حذف گام به گام دولت‌های استبداد، خود این تشکل‌ها هم دچار تحول می‌شوند و بعضاً اهداف و ساختارها و برنامه‌شان تغییر می‌کند. جنبه‌هایی که سابقاً تنها آمال ضد دیکتاتوری داشتند، اینک باید یاد بگیرند که چگونه می‌توانند مسالمت‌آمیز با یکدیگر رقابت و همزیستی کنند و برای منافع خاص خویش تلاش نمایند. مهم‌ترین امر در این زمینه همانا ساختن نهادهای دموکراسی برای تأمین این رقابت مسالمت‌آمیز است.

۶- پایان سخن

روزی روزگاری در جنبش چپ ایران این اعتقاد انقلابی حاکم بود که «هرچه بدتر، بهتر». به این معنا که با بدتر شدن اوضاع، کاسه‌ی صبر مردم لبریز می‌شود، انقلاب می‌کنند و دنیایی جدید می‌سازند. ابوالقاسم لاهوتی شاعر انقلابی دوران رضاشاه این مفهوم را به طرز دیگری بیان می‌کرد: «خرابی چون که از حد بگذرد، آباد می‌گردد». اما دست کم تجربه‌ی سال‌های اخیر در کشورمان به طرز آشکار نشان داد که خیلی ساده: «هرچه بدتر، بدتر». همراه با بدتر شدن اوضاع سیاسی، سرکوب و فشار بیشتر می‌شود، اعدام، شکنجه، زندان و آوارگی پیش می‌آید. سال‌ها طول می‌کشد تا این سال‌های تیره به پایان رسد، شهروندان از آن دوره‌ی نکبت و شکست سربلند کنند، باردیگر به حقوق خویش بیایندیشند و برای احقاق حقوق‌شان شروع به ایجاد تشکل‌های مردمی کنند، اعتماد به نفس پیدا کنند و مبارزه‌ی سیاسی را بی‌آغازند. در طی این سال‌های تیره بسیاری چیزها از دست می‌روند و بسیاری دیگر ویران می‌شوند. برای آنکه هرچه بهتر شروع شود، باید بر این دوره‌ی بدتر و تاریک غلبه کرد و باز دوره‌ی ساختن هرچه بهتر را آغازید. اما این ساختمان یکشنبه و با اراده‌ی ما و شما ساخته نمی‌شود. برای ساختن آن باید صبر و حوصله داشت، اجر روی اجر و سنگ روی سنگ گذاشت. از هر پیشرفتی استقبال کرد (خواه در عرصه‌ی اقتصادی باشد، خواه سیاسی یا اجتماعی) و از هر پس رفتی انتقاد کرد. از هر خطایی آموخت و هر تجربه‌ی مثبتی را چراغ راه آینده کرد. این همان روندی است که «کارل ریمنوند پوپر» آن را مهندسی اجتماعی تدریجی نام می‌نهد. پیشبرد روند دموکراسی و نهادی کردن آن هم بخشی از این پروژه‌ی مهندسی اجتماعی تدریجی است.

پایان
اگوست ۱۹۹۵

امروز ما می‌توانیم چهار عنصر مهم مورد اختلاف را در مفهوم دموکراسی مشاهده کنیم:

- ۱ - وسعت و گستردگی دموکراسی، در چه مواردی پارلمان، شورای شهر و شهرداری‌ها تصمیم بگیرند و چه مواردی به افراد و شرکت‌ها سپرده شود؟
- ۲ - سلسله مراتب دموکراسی، کدام مسایل در سطح مرکزی، محلی و یا فراملیتی تصمیم گیری شود؟
- ۳ - دموکراسی مستقیم یا دموکراسی نمایندگی؟ تا چه حد خواست مردم از طریق دموکراسی نمایندگی تحقق می‌یابد، آیا می‌توان مردم سالاری را با جنبه‌هایی از دموکراسی مستقیم و یا جنبه‌های دیگر تقویت کرد و شرکت مردم در امور را فزونی داد؟
- ۴ - پیش شرط‌های دموکراسی و اجرای عملی آن، آیا عدالت اجتماعی یک پیش شرط لازم برای ثبات دموکراسی است و آیا دموکراسی بدون مالکیت خصوصی گسترده در تولید و تجارت، می‌تواند عملی شود؟

انتخابات مجلس شورای اسلامی

یا انتخابات مجلس مؤسسان

(۳)

محمود راسخ

مؤسسان از طریق انتخاباتی آزاد با معیارهای بین‌المللی برای بازنگری به قانون اساسی کشور است. تنها این شعار است که در مبارزه‌ای مسالمت آمیز مشروعیت این نظام غیر دموکراتیک را نفی می‌کند و راه تغییر آن را مشخص می‌سازد. ولی اپوزیسیون در ایران در اوضاع و احوال کنونی نمی‌تواند این شعار را به طور مستقیم و با صراحت مطرح سازد. این وظیفه اپوزیسیون خارج از کشور است که این شعار را به عنوان شعار استراتژیک مبارزه مطرح سازد و در عین حال از شعار انتخابات آزاد در ایران که حداکثر خواستی است که اپوزیسیون در داخل می‌تواند طرح نماید، پشتیبانی نماید.

تصور این که شعار انتخابات آزاد به عنوان حداکثر خواست اپوزیسیون مردم را به مبارزه جلب نماید قدری دشوار است. چون این خواستی است که از یک سو مردم تحقق آنرا محتمل نمی‌بینند و از سوی دیگر ارائه چشم اندازی از دگرگونی کیفی در نظام ولایت فقیه نیست. و آنچه مردم می‌طلبند همانا این دگرگونی کیفی است. در حالی که تشکیل مجلس مؤسسان ... چنین چشم اندازی را مطرح می‌سازد. اگر دو بخش اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور موفق گردند خود را به مثابه یک مجموعه واحد به مردم و افکار عمومی جهان عرضه دارند در این صورت همچنین خواهند توانست عمل انتخاب شعار انتخابات آزاد به وسیله بخش داخل و شعار تشکیل مجلس مؤسسان به وسیله بخش خارج را نیز برای مردم ایران روشن سازند. بدینوسیله چشم انداز نهائی مبارزه، یعنی تغییر نظام کنونی مشخص می‌گردد و با روشن شدن این موضوع زمینه ذهنی برای تشدید مبارزه با رژیم مهیا می‌شود. اغلب فراموش می‌شود که هراس هر رژیم استبدادی از خود خشکیها، کادرها و افراد اپوزیسیون نیست، از مردم است. آنچه باعث وحشت آنها است پیوند ذهنی و عملی اپوزیسیون با مردم است. بنابراین شعارها و سیاستهایی که اپوزیسیون برای مبارزه انتخاب می‌کند باید با نظر داشت به سطح عمومی آگاهی مردم و احساس آنان نسبت به رژیم باشد. اکثریت قریب به اتفاق مردم اکنون از این رژیم قطع امید کرده و دیگر اعتمادی به آن و وعده و وعیدهایش ندارند. بنابراین هر شخصیت و هر بخشی از اپوزیسیون که خواست، شعار و سیاستی را مطرح سازد که از آن بوی سازش یا رژیم آید و یا در تأیید و مشروعیت بخشیدن به آن باشد، به جای جلب مردم به پشتیبانی و مبارزه، نتیجه‌اش رویگرداندن مردم از آن شخصیت و نیروی سیاسی و به انزوا گردیدن آنها خواهد بود.

اگر هدف فرجامین و شعارهای مشترک استراتژیک و مرحله‌ای اپوزیسیون ملی و چپ دموکرات و مترقی و شیوه مبارزه آنها، در داخل و خارج از کشور، معین و مشخص گردد، آنگاه زمینه‌ای فراهم خواهد آمد تا معضل پراکندگی این نیروها در خارج از کشور در دستور کار قرار گیرد و در راه حل آن گامهای لازم برداشته شود. وجود اپوزیسیونی متشکل و فعال از نیروهای ملی و چپ دموکرات و مترقی در خارج از کشور با خواسته‌های مشخص و معین هر چند نه عاملی تعیین کننده ولی دستکم عاملی بسیار مهم و مؤثر برای فراهم آوردن امکانات گسترش مبارزه همین اپوزیسیون در داخل کشور است.

بنا بر آنچه گذشت، اپوزیسیون ملی و چپ دموکرات و مترقی در خارج از کشور باید فعالیت خود را در دو جهت متمرکز سازد. از یک سو در جهت پایان بخشیدن به پراکندگی در صفوف خود و از سوی دیگر در جهت برقرار ساختن دیالوگی حضوری و مستقیم برای بحث و اتخاذ تصمیم در باره شعارهای استراتژیک و مرحله‌ای و همچنین خط و مشی و شیوه مبارزه.

فرانکفورت شهریور ۱۳۷۳ محمود راسخ

اورد هر آینه اپوزیسیون دو اصل را رعایت نماید. نخست آنکه تحت هیچ شرایطی تا زمانی که بندهای ضد دموکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی ولایت فقیه و کلیه پیامدهای آن تغییر نیافته و شرایط واقعی اعمال اراده آزاد مردم فراهم نیامده، یعنی جمهوری اسلامی به جمهوری لائیک تبدیل نیافته، در قوه اجرایی شرکت ننجد. یعنی به عنوان اپوزیسیون صرف عمل کند. دوم آنکه اپوزیسیون ملی و چپ مترقی و دموکرات در داخل و خارج از کشور به صورت دو بخش از یک اپوزیسیون واحد عمل کنند و میکمل یکدیگر باشند و مجموعه شعارها و خواسته‌های آن دو بخش تشکیل دهنده شعار و خواست اپوزیسیون در کلیت آن باشد.

پیشتر گفتیم که میان اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور در رابطه با شرایط و امکانات فعالیت سیاسی تفاوت وجود دارد. بخش خارج می‌تواند بدون هیچ محدودیتی نظرات، تحلیلها، انتقادها، طرحها، برنامه‌ها و خواسته‌ها و شعارهای اساسی و استراتژیک اپوزیسیون را مطرح سازد.

متأسفانه تاکنون شرایط تماس مستمر میان اپوزیسیون داخل و خارج وجود نداشته است. دلیل آن البته واضح است. اپوزیسیون ملی و چپ مترقی و دموکرات در خارج از کشور فاقد انسجام و تشکل است. هم به تنهایی و هم به طریق اولی مشترک. این وضع باعث شده تا نتواند یک تقسیم کار منطقی و واقعیتناهی میان آن دو، اپوزیسیون داخل و خارج، به وجود آید تا هر بخش بتواند مکمل بخش دیگر باشد و محدودیتها و کاستیهای بخش دیگر را جبران نماید. در نتیجه هر بخشی از اپوزیسیون، داخل و خارج، به طور مستقل و بدون مشورت با بخش دیگر برای خود استراتژی مبارزه و خواست و شعار طراحی می‌نماید. اگر بخش داخل با نظر داشت به امکاناتش توانسته در سالهای اخیر تا حدودی روابطی منظم میان خود به وجود آورد و اکنون تا اندازه‌ای به طور مشترک و با زبانی واحد حرف می‌زند و عمل می‌کند در عوض در خارج از کشور هنوز پراکندگی حاکم است و افراد به صورت فردی میدانند و معرکه‌اند و هر کس به اصطلاح مشغول سائیدن کشک خودش می‌باشد. اغلب اپوزیسیون خارج خود را به عنوان کل اپوزیسیون می‌نگارد و بدون در نظر گرفتن دور بودن خود از صحنه اصلی مبارزه به بحث و تدوین استراتژی و شعار برای مبارزه در ایران می‌پردازد. و به جای کمک به اپوزیسیون داخل که به طور مستقیم با رژیم طرف است و بار اصلی مبارزه را بر دوش دارد خود را به جای آن می‌بندارد و می‌خواهد وظایف آن را به عهده گیرد. این امر سبب شده تا به طرح مسایل، خواست و شعارهایی اقدام ورزد که زیر امکاناتش قرار دارد. شعار انتخابات آزاد هر چند برای اپوزیسیون در ایران شعاری درست و منطبق با شرایط مبارزه است، ولی برای اپوزیسیون ملی و چپ دموکرات نمی‌تواند به عنوان شعار استراتژیک مطرح باشد.

گفتیم که شعار انتخابات آزاد برای اپوزیسیونی که خواهان پایان بخشیدن به نظام موجود است، شعار استراتژیک نمی‌تواند باشد. زیرا این شعار وجود این نظام و مشروعیت آنرا می‌پذیرد. پس شعار استراتژیک کدام است؟ شعار استراتژیک شعار تشکیل مجلس

نشینی وادار ساخت و نظام را به اصلاح دموکراتیزه کرد. بیشتر توضیح دادم که به نظر من اپوزیسیون نباید در مقابل فشار رژیم تسلیم شود و صحنه مبارزه روزمره را ترک گوید. بلکه باید همیشه در مرز امکانات موجود، اوضاع و احوال کشور را مورد انتقاد قرار دهد، خواسته‌های مشروع خود را مطرح سازد و با انتخاب شیوه‌ها و ابزار مناسب بکوشد تا در زندگی سیاسی به طور مستمر حضور داشته باشد. ولی باید همچنین از محدودیت‌های ذاتی این نظام نسبت به تغییر و اصلاح پذیری، ارزیابی واقعیتناهی داشته باشد.

در نظام مشروطه انتخابات آزاد مجلس و حضور مخالفان استبداد پهلوی در پارلمان در تناقض و ضدیت با ماهیت و بنیاد نظام قرار نداشت. بدین دلیل حضور شخصیتی چون دکتر مصدق و حتی فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم نفی قانون اساسی نبود، بلکه برعکس دخالت دربار و حکومت در انتخابات و بیرون کشاندن دست نشاندهگان خود از صندوقهای انتخاباتی عملی مخالف قانون انتخابات و ناقض قانون اساسی بود. به همین دلیل شعار انتخابات آزاد می‌توانست به پرچم مبارزه با استعمار و استبداد پهلوی تبدیل گردد. دکتر مصدق و یارانش برای آنکه به مجلس شورای ملی راه یابند، ناگزیر به سازش با دربار و هیچ مقام دیگری نبودند. آنها شعار انتخابات آزاد را برای مبارزه با نفوذ استعمار و استبداد پهلوی برگزیده بودند و به درستی. زیرا در آن نظام مجلس ارگان اساسی آن بود. مصدق و یارانش قصد نداشتند از براه، یعنی با طرح شعار انتخابات آزاد، به تغییر نظام دست یازند. چون با قانون اساسی مخالف نبودند، بلکه مدافع سرسخت آن بودند آن نظام با این نظام تفاوتی کیفی نداشت.

نظام جمهوری اسلامی، نظام مشروطه نیست. در سالهای بیست آنچه اپوزیسیون می‌خواست و برای آن مبارزه می‌کرد اجرای قانون اساسی مشروطه بود. زیرا اجرای درست آن قانون اساسی می‌توانست حاکمیت مردم یعنی دموکراسی را تأمین کند. در حالیکه در نظام موجود این خود قانون اساسی است که ام‌الفساد است. اپوزیسیون برای تأمین خواسته‌هایش نمی‌تواند خواهان اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد. زیرا گوهر اساسی این قانون اساسی ولایت فقیه یعنی نقض دموکراسی و اعمال اراده آزاد مردم است.

باید بر این واقعیت آگاه باشیم که پذیرفتن شعار انتخابات آزاد به طور ضمنی یعنی پذیرفتن قانون اساسی موجود یعنی نظام ولایت فقیه است. زیرا شرکت در هر انتخاباتی حتی آزادترین آنها هنوز انتخاباتی در چارچوب این نظام می‌باشد. حتی اگر توازن نیرو در نتیجه بدتر شدن شرایط عمومی و یا دلایل دیگری تا بدان اندازه به نفع اپوزیسیون تغییر یابد که افراد لائیک نیز بتوانند خود را نامزد مقامهای انتخابی نمایند و حتی اگر بدان مقامها نیز انتخاب گردند، هنوز باید سوگند وفاداری به قانون اساسی موجود یاد کنند که در عین حال به معنی متعهد بودن در حفاظت آن نیز می‌باشد. به عبارت دیگر دست کم به طور رسمی و صوری باید مشروعیت این نظام را مورد تأیید قرار دهند تا بتوانند به عنوان اپوزیسیون در این رژیم عمل کنند. ولی این امر پیامد منطقی شیوه مبارزه علنی، مسالمت آمیز و قانونی با رژیم است. این امر نباید اشکالی اساسی به وجود

گفته شد که شعار «انتخابات آزاد مجلس شورای اسلامی» که به وسیله اپوزیسیون در داخل کشور برگزیده شده، و به طور کلی شعار انتخابات آزاد برای هر ارگان انتخابی نظام، حداکثر خواستی است که اپوزیسیون در داخل کشور می‌تواند در شرایط کنونی مطرح سازد. حال باید دید محدودیت‌های سیاسی و جنبه‌های مثبت و منفی طرح چنین شعاری چیست؟ نخست آنکه طرح این شعار به خودی خود بدون معنی است که مقامهای انتخابی این نظام فاقد مشروعیت‌اند. چون از طریق انتخاباتی غیر آزاد انتخاب شده و بنا بر این وکالتی از سوی مردم ندارند. این موضوع همچنین مشروعیت کل سیستم را به زیر سؤال می‌برد. دوم آنکه طرح این شعار مقوله حاکمیت مردم را مطرح و از این طریق تناقض اساسی در دکتربین ولایت فقیه را آشکار می‌سازد. تناقض اساسی ذاتی این دکتربین این است که از یک سو مردم را به هنگام برگزیدن نظام ولایت فقیه بالغ و برخوردار از قوه تشخیص می‌نگارد، ولی پس از استقرار نظام آنها را به افراد صغیری مبدل می‌سازد که قادر به تشخیص خوب از بد، درست از نادرست و صواب از ناصواب نمی‌باشند. قدرت تشخیص و قضاوت آنان فقط تا بدان حد، به اصطلاح، قد می‌دهد که تشخیص دهند اسلام دین بر حق است، از میان فرق گوناگون اسلامی مذهب شیعه اثنی عشری مذهب راستین و نظریه ولایت فقیه، علیرغم آرای متفاوت و متضاد فقها نسبت به ماهیت حکومت و حاکمیت فقیه در غیاب امام زمان، نظریه‌ای درست می‌باشد. ولی قادر نیستند تشخیص دهند چه افرادی صلاحیت دارند آنان را در مجلس نمایندگی کنند. نمی‌توانند بفهمند که سیاستهای اقتصادی ملاملا مملکت را به ورطه نیستی می‌برد و الخ. مجمعی از ملاملا باید بنشینند و لیستی از افراد با صلاحیت ترتیب دهند و سپس مردم از میان آنان هر کسی را که دوست دارند به نمایندگی خود انتخاب نمایند. که یاز معلوم نیست که پایه عقلانی و منطقی این انتخاب آخری چیست؟ چون اگر مردم قادر به تشخیص نیستند که در این مرحله نهائی نیز نمی‌توانند تشخیص درست بدهند و اگر قوه تشخیص دارند که دیگر نیازی به آقا بالا سر ندارند. ولی تمام این آسمان و ریسمان با فیها بدین منظور است تا حاکمیت و تمام ارگانهای حکومتی در انحصار اقلیتی غاصب باقی بماند. بنابراین شعار انتخابات آزاد در این مرحله از مبارزه باید به طور عمدی به منظور نقد مفهوم آزادی در دکتربین ولایت فقیه و آشکار ساختن تناقض آن با اعمال آزاد اراده مردم و در نتیجه نقض مشروعیت این رژیم مورد استفاده قرار گیرد. اپوزیسیون ملی و چپ دموکرات و مترقی باید فهم خود را از آزادی بیان دارد و شرایطی را که در آن انتخابات آزاد می‌تواند برگزار گردد مشخص سازد. به عبارت دیگر این شعار می‌تواند فعلاً کاربرد مبارزه‌ای سیاسی را داشته باشد. زیرا اگر دچار خوش پنداری نیابیم باید بپذیریم که احتمال برگزاری انتخاباتی آزاد، آزاد منطبق با معیارهای رایج بین‌المللی، در سراسر کشور در این رژیم بسیار ناچیز است. حاکمان کنونی بهتر از شما و من می‌دانند که در میان مردم پایگاهی ندارند و اگر فردا در ایران انتخاباتی آزاد برگزار گردد در بهترین حالت آرای کمی نصیب آنان خواهد شد و این کار برابر با پایان این نظام است. زیرا اگر این رژیم در میان مردم اکثریت می‌داشت دلیلی برای استبداد باقی نمی‌ماند. رژیمیان باید افراد احق و دیوانه‌ای باشند اگر از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار باشند ولی بیان آزاد اراده این اکثریت را مانع گردند و تمام عواقب منفی آن را در داخل و خارج بپذیرا شوند.

شعار انتخابات آزاد برای بسیاری مبارزات سالهای بیست را تداعی می‌کند. می‌بندارد که می‌توان با طرح چنین شعاری مبارزاتی مانند آنرا سازمان داد، به مجلس راه یافت، حاکمان را در زمینه‌های مختلف به عقب

درست است من پیشنهاد آتش بس دادم. هدف ما حل مسالمت آمیز قضیه بود. اما متأسفانه سیاستمداران ترکیه علاقه‌ای از خود در این مورد نشان ندادند. گامی بود از جانب ما برداشته شد که بی‌پاسخ باقی ماند درست مثل اینکه ما با دیوار حرف زده باشیم آنها کر و صامت هستند. این گونه بار آمده‌اند و بی‌بسته این گونه بوده‌اند. آنها همیشه بطو کامل مخالف راه حل سیاسی قضیه بوده‌اند. آنها اقدام ما را ناشی از ضعف ما تلقی کردند، اما واقعیت چیز دیگری است. ما امروز قویتر از هر زمان دیگری هستیم. تهاجم و سازوبرگ نظامی که در کردستان بر علیه ما مستقر شده گواه قدرت ماست. یازده سال از شروع مبارزه‌ی مسلحانه‌ی ما در ترکیه می‌گذرد امروز ما اعلام می‌کنیم که ما برای مذاکره و یافتن یک راه حل سیاسی آماده‌ایم. اجتماع بین‌المللی امروز، نرها و استانداردها و نظم و ترتیب‌های مقبول خاص خود را ایجاد کرده است که می‌توانند محک بررسی مسائل بین‌المللی باشد. من

بقیه از صفحه ۱۱

دولت ترکیه همواره مخالف راه حل سیاسی مساله کردستان بوده است

بر اساس وابستگی‌های طایف‌های گروه‌های دیگر کرد قادر بوده و هستند در سطح ملی حمایت مردم کرد را جلب نمایند، اما حزب کارگران کردستان موفق شد از طریق تأثیرگذاری بر مردم ساکن بخش‌های مختلف کردستان حمایت آنها را جلب کند. همین خاطر حزب کارگران کردستان یگانگی خلق را نمایندگی می‌کند. ما با رهبران و اعضاء احزاب و گروه‌های دیگر کرد ارتباط داریم. این گروه‌ها اعتماد به نفس ندارند همین دلیل آنها مایل نیستند که برای تشکیل یک کنگره ملی و یا یک جنبه‌ی ملی یگانه با ما همکاری کنند. ما ارزش زیادی برای همکاری گروه‌های کرد قائلیم اما اگر آنها بدلیل ضعف نمی‌توانند با ما همکاری کنند گناه ما نیست. من فکر می‌کنم آنها بدلیل عدم اعتماد به نفس چیزی برای ارائه نداشته باشند. من امیدوارم که در آینده تلاش‌های بیشتری برای تشکیل یک کنگره ملی صورت گیرد.

حزب دموکرات کردستان بارزانی، اتحاد میهنی طالبان و حزب کارگران کردستان تقسیم شده‌اند بنظر شما امکان همکاری‌های تاکتیکی و همکاری‌های استراتژیک با این احزاب در چه حد است؟

حزب کارگران کردستان از موقعیت ویژه‌ی در تاریخ کردستان برخوردار است. برای نخستین بار در تاریخ کردستان، حزب کارگران کردستان موفق شد که به مبارزات مردمی و ملی خلق کرد روح تازه‌ی ببخشد و از طریق آن یک اتحاد ملی بین خلق کرد ایجاد کند. این اولین بار است که چنین تحولی در تاریخ کردستان رخ داده است. سازمان‌های کرد بویژه در قیل و امروز هم تا حدی یا بر پایه فتوالیسم قومی شکل گرفته‌اند یا

کردستان را در کنترل خود داریم. وقتی که می‌گوییم ما، منظور گروه‌های میهن پرست کرد در جنوب کردستان است. ما اینک به یک پلاتفرم دموکراتیک ملی دست یافته‌ایم. اینک قدرت ما به اندازه قدرت حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و جبهه میهن پرستان کردستان به رهبری جلال طالبانی است. مجموع این گروه‌های کرد می‌تواند کنترل کلیه نواحی کوهستانی جنوب کردستان را تحت کنترل بگیرند. ما به قدرت سوم در منطقه‌ی جنوب کردستان تبدیل شده‌ایم و از نظر نظامی می‌توانیم قوی‌تر از دیگران باشیم.

گردها تنها از نظر جغرافیایی منقسم نشده‌اند آنها همچنین به گروه‌ها و احزاب مختلفی مانند

کند. ما ارتشهای خود را که هم در شمال و هم در جنوب ایجاد کرده بودیم، توسعه دادیم. عملیات نظامی ترکیه بر علیه ما بزرگترین عملیاتی بود که در تاریخ مدرن ترکیه به اجرا گذاشته شده است. حتی از تهاجم به قبرس در سال ۱۹۷۴ هم وسیع‌تر بود و به عبارتی یکی از بزرگترین تهاجماتی است که ترکیه در طول یک قرن اخیر به آن مبادرت کرده است. این عملیات هم بزرگ بود هم با دقت طراحی شده بود اما متضخ از کار درآمد. این جنگ پیامدهای دیپلماتیک و سیاسی جدی برای ترکیه در پی داشت. ترکیه فهمید از این طریق به جایی نمی‌رسد. بعد از تهاجم، ما ارتش چریکی خود را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی در شمال و جنوب کردستان توسعه دادیم. امروز ما مناطق جنوب

از قبل اطمینان می‌دهم که ما حاضریم راه‌حلهایی را که در این چهارچوب ارائه می‌شوند بپذیریم و به کار بندیم. ما هیچ پیش شرطی برای پذیرش آتش بس نداریم.

وضعیت کنونی کردستان عراق یا کردستان جنوبی پس از حمله‌ی ارتش ترکیه چگونه است؟

تهاجمی که در ۲۱ مارس آغاز شد و در اوائل ماه مه خاتمه یافت نشان می‌دهد که ترکیه در یک بحران و سردرگمی جدی بسر می‌برد آنها به هیچ یک از اهدافی که در سرداشتن نرسیدند. در طی این تهاجم ما هم در شمال و هم در جنوب به برتری نظامی دست یافتیم این عملیات به ما نشان داد که حزب کارگران کردستان قادر است در مقابل چنین تهاجماتی ایستادگی

تلاش در راه:

احیاء تشکیلات جبهه ملی ایران

در شهریور ماه امسال اطلاعیه‌ای با امضا چند تن از شخصیت‌های رهبری جبهه ملی ایران که در داخل کشور بسر می‌برند انتشار یافت. در این اطلاعیه آقایان ادیب برومند، علی اردلان، حسین شاه حسینی، حسن لباسچی، دکتر سید حسین موسویان و دکتر پرویز ورجاوند بر لزوم آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی سخنرانی به عنوان پیش شرط هر گونه انتخابات تأکید کرده بودند. به موازات تلاشهایی که در داخل کشور صورت می‌گیرد در ماههای اخیر فکر احیاء تشکیلاتی و سازمانی جبهه ملی ایران در میان مقیم خارج از کشور نیز طرح گردیده و فعالیت‌هایی در این راه صورت گرفته است. بنا به گزارش نشریه نیمروز «این تلاشها ظاهراً از

مرحله فکر به مرحله عمل و برنامه‌ریزی نزدیک شده است و دو تن از اعضا قدیمی و فعال شوروی مرکزی جبهه ملی، آقایان قاسم لباسچی و دکتر عبدالکریم انواری مراحل اولیه پیاده کردن برنامه احیاء تشکیلاتی جبهه مذکور را از طریق مذاکره با سازمانها و افراد طرفدار جبهه ملی شروع کرده‌اند» این نشریه در ادامه می‌نویسد «قاسم لباسچی در این زمینه فعالیت‌هایی را در آمریکا به انجام رسانده و طبق اطلاعات واصله دکتر عبدالکریم انواری برنامه‌ریزیهایش را در راستای هماهنگ کردن این فعالیت‌ها در اروپا به عهده گرفته است».

در این رابطه سازمان جمهوریخواهان ملی ایران طی بیانیه‌ای از این تلاشها حمایت نموده و اعلام نمودند که این سازمان در اجلاس عمومی خود در تاریخ ۲۱ و ۲۲ اکتبر در شهر کلن موضوع را مورد شور قرار داده و تصمیم گرفته‌اند با مشورت و همکاری سایر سازمانها و عناصر ملی، دمکرات امکانات تحقق این خواست را بررسی نموده و به سهم خود در انجام آن کوشا باشند.

آقای قاسم لباسچی در مصاحبه‌ای با بخش فارسی رادیو آمریکا در این رابطه اظهار داشت

برگزاری پلنوم

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

کمیته مرکزی این حزب در این اجلاس از توافق آتش‌بس مابین دو حزب متخاصم کردستان عراق «حزب دمکرات کردستان - متحد» و «اتحادیه میهنی کردستان» ابراز خوشحالی نموده و نگرانی خود را از میانجیگری جمهوری اسلامی در این رابطه ابراز نمود. در عین حال این اجلاس نگرانی خود را از ادامه جنگ میان «حزب دمکرات کردستان - متحد» و «حزب کارگران کردستان» ابراز داشت. در این پلنوم همچنین «از دفتر

کمیته مرکزی ایران طی اطلاعیه‌ای برگزاری اجلاس وسیع کمیته مرکزی این حزب را در روز اول آبانماه اعلام نمود. بنا به این اطلاعیه آقای عبدالله حسن‌زاده دبیرکل حزب گزارش سیاسی پیرامون تحولات اخیر کردستان و ایران و رویدادهای مهم منطقه و جهان و آقای مصطفی هجری جانشین دبیرکل گزارش سفر سال جاری خود به آمریکا و اروپا را به اطلاع پلنوم رساند.

معرفی دو کتاب پیرامون دموکراسی

آقای باقرمونی در این زمینه و نیز پرسش و پاسخ با حاضرین در جلسه سخنرانی مزبور را شامل می‌شود.

این کتاب در ۸۷ صفحه منتشر شده است. کتاب «گفتارهای جمعیت دفاع از جبهه‌ی جمهوری و دمکراسی در ایران بلژیک دفتر دوم «گفتارهای سیاسی» خود را منتشر کرد. این دفتر به مقوله دموکراسی، اختصاص دارد و متن سخنرانی

سیاسی، را می‌توانید از آدرس زیر دریافت دارید.

دموکراسی از آغاز تاکنون

بطن تحولات تاریخی استخراج کنند. نویسنده کوشیده است به زبانی بسیار ساده روند پیدایش و انکشاف دموکراسی در جهان را برای خواننده ترسیم کند.

کتاب مزبور بخش‌های زیر را شامل می‌شود:
- دموکراسی اولیه
- دموکراسی در یونان
- دموکراسی در روم
- دموکراسی در شهرهای آزاد

Postfach 630148
22311 Hamburg
Germany

همیاری با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

در شماره‌های گذشته نشریه کار خبر تشکیل نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی را به اطلاع خوانندگان رساندیم. اینک از سوی سرپرست این نهاد، شماره حساب زیر برای درج در نشریه در اختیار ما قرار گرفته است.

هموطنان می‌توانند کمکهای مالی خود به خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی رابه شماره حساب زیر و با کد (HAMYARI) واریز نمایند. هر اندازه از کمک شما می‌تواند در تخفیف تنگنای طاقت فرسای معیشتی آن عزیزان مؤثر باشد.

HAMYARI

7147002

37040044

Commerz Bank Koeln Germany

شماره حساب:

کد بانک:

اعتراض به لغو قرارداد

مابین جمهوری اسلامی و دولت روسیه

سخنان متن اظهارات آقای همایون مقدم سخنگوی حزب ملت ایران را منعکس گردید. ایشان در سخنان خود اظهارات آقای سفیر روسیه در ایران را به اظهارات یکصد سال پیش سفیران روسیه تزاری تشبیه نموده و اعلام نموده است که پیوستن آشکار نظامی ایران به جتر حمایت یک دولت بزرگ خطایی تاریخی بود، اگر جمهوری اسلامی چنین خطایی را مرتکب گردد، چنین قراردادهایی از نظر مردم ایران فاقد اعتبار خواهد بود».

سازمان برون مرزی حزب ملت ایران طی اطلاعیه‌ای با عنوان «قراردادهای خلاف منافع ملی» میان جمهوری اسلامی و بیگانگان از نظر ملت ایران فاقد اعتبار است» به عقد قرارداد مشترک مابین دول روسیه و ایران اعتراض نمود. این اطلاعیه به سخنان سفیر روسیه در ایران در روزنامه ایرار که به منافع استراتژیک مشترک میان ایران و روسیه تأکید نموده و گفته است که «روسیه و ایران یک قرارداد دفاعی امضا خواهند کرد» اشاره نموده. در این اطلاعیه در واکنش به این

نامه فدائیان خلق ایران در آلمان به وزیر کشور آلمان:

به بازداشت علی توسلی اعتراض کنید!

علی توسلی روز پنجشنبه ۵ اکتبر ۱۹۹۵ در باکو توسط گروهی چهارنفره از مأموران امنیتی رژیم اسلامی حاکم بر ایران ربوده شده است. از این تاریخ هیچ‌گونه خبری از محل اقامت وی در دست نیست. خطر شکنجه و مرگ جان علی توسلی را تهدید می‌کند. ما فدائیان خلق ایران که در آلمان زندگی می‌کنیم با زرف‌ترین نگرانی‌ها از شما و توسط شما از دولت آلمان می‌خواهیم به این آدم‌ربایی آشکار اعتراض و آن را محکوم کنید. خواهان آزادی علی توسلی شوید. ما از شما می‌خواهیم از هر آن چه در توان دارید دریغ نورزید تا از شکنجه و قتل علی توسلی جلوگیری شود.

کمیته کشوری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان در ارتباط با ربوده شدن علی توسلی نامه‌ای به دکتر کلاوس کینکل، وزیر امور خارجه آلمان ارسال کرده است. در این نامه آمده است:

جناب آقای وزیر!

علی توسلی از چندین سال پیش از سوی دولت بریتانیایی کبیر به عنوان پناهنده سیاسی شناخته شده بود و در شهر لندن زندگی می‌کرد. وی که در سال‌های اخیر به پیشه تجارت پرداخته بود، برای حل و فصل پاره‌ای اختلافات کاری با طرف‌های تجاری خود به شهر باکو پایتخت جمهوری آذربایجان سفر کرده بود. بنا بر اطلاعات ما

انتشار مجدد

نشریه پیام فردا

ماه گذشته سومین شماره نشریه پیام فردا که توسط تعدادی از اعضای سابق حزب توده ایران انتشار می‌یابد پس از مدتی وقفه مجدداً منتشر گردید. در این نشریه در مقاله‌ای با عنوان «توضیح درباره انتشار مجدد نشریه» اهداف این نشریه توضیح داده شده و نوشته شده است.

«همانگونه که در شماره اول «پیام فردا» منعکس است، این نشریه در پی تشدید اختلافات نظری، سیاسی و سازمانی در جریان تدارک کنگره سوم حزب توده ایران انتشار یافت. هدف از انتشار آن ایجاد امکان بحث و تبادل نظر آزاد و دمکراتیک برای اعضا حزب در شرایط فقدان دمکراسی درون حزبی و به ویژه برای آن گرایش فکری در حزب بود که با تکیه بر نقد گذشته و درس‌آموزی از تجربه‌های فـروپاشی در کشورهای سوسیالیستی برانست تا به سهم خود در یک کوشش عمومی و گسترده برای ارائه درک نوین و دمکراتیک از نهضت چپ و سوسیالیستی مشارکت نماید.

انگیزه این گرایش تکیه بر این واقعیت است که اهم مسائل نظری و سیاسی مطرح در حزب توده ایران طی سالهای گذشته در حقیقت بازتابی از مسائل عمومی جنبش چپ در شرایط بحرانی کنونی است و سرنوشت تشکلهای و گرایش‌های چپ موجود نیز پیوندی انکارناپذیر با کوششی دارد که برای حل این مسائل انجام می‌گیرد. به همین دلیل از همان ابتدای تدارک نشریه و در ادامه بحث‌های مربوط به کنگره کوشش برای تدوین و ارائه یک کارپایه سیاسی دمکراتیک نیز شکل گرفت. اما در عین حال و به موازات این کوشش این مسئله نیز مطرح شد که آیا نشریه باید ارگان یک کارپایه سیاسی مشخص باشد یا نشریه‌ای باز و دمکراتیک که از جمله مواضع یک کارپایه مشخص را نیز بازتاب می‌دهد. از آنجا که هدف اصلی نشریه نه ایجاد سازمان و تشکلی جدید بلکه تربیونی برای نظرات و گرایش‌های فکری مختلف بود قرار بر این شد که نشریه حالت باز و دمکراتیک خود را حفظ کند و شرایط را برای طرح هر چه وسیع‌تر آرا و نظرات و برخورد آنها با یکدیگر را فراهم سازد. متأسفانه بحث‌های مربوط به این مسئله به طول انجامید و نشریه را از امکان انتشار منظم محروم ساخت.

اکنون هیئت تحریریه امیدوار است که با انتشار مجدد نشریه مضمون این بحث‌ها را نیز به تدریج به نظرخواهی خوانندگان عزیز بگنجدارد».

کردهای عراقی برای...

بقیه از صفحه ۷

سوری، پوشیدن لباس با آستین کوتاه یا مسائل جزئی دیگر نظیر آن بازداشت می‌کنند و وحشیانه کتک می‌زنند. تاکنون صدها نفر قربانی این شیوه‌های برخورد رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند صدها نفر تاکنون اخراج شده‌اند و عده دیگری نیز حکم اخراجشان صادر شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که فشار خود را بر روی پناهندگان در چند ماه اخیر به نهایت رسانده است به شیوه‌های بی‌شمارانه دست می‌یازد. یکی از آن شیوه‌ها این است که از هر خانواده یکی از اعضای آن را (چه دختر و چه پسر) انتخاب می‌کند و به پهنه‌های واهی چون ترکاندن ترقه در چهارشنبه

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک: ()مدت اشتراک: شش ماه یک سال

نام تاریخ

Name:

Address:

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

شش ماه - ۴۵ مارک

یک سال - ۹۰ مارک

سایر کشورها:

شش ماه - ۵۲ مارک

یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v

Postfach 260268

50515 Koeln

Germany

I.G.e.v

آدرس: 22442032

37050198

Stadtsparkasse Koeln

Germany

شماره فاکس 3318290 - 221 - 0049 Fax:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

دموکراسی همیشه دموکراتیک نبوده است

سون اووه هانسون
برگردان: منصور

دموکراسی و ترور

روسیس در همان سخنرانی اعلام کرد که دشمنان انقلاب را می‌باید با ترور و وحشت پاسخ گفت. به اعتقاد وی ترور نتیجه‌ی اصول عمومی دموکراتیک می‌باشد که جهت برآوردن کردن نیازهای عاجل میهن اعمال می‌شود. با سخنرانی روسیس، دموکراسی و اختناق همزمان به عنوان دو موضوع وابسته به هم به عرصه سیاسی روز پا نهادند.

موضوع ترور و اختناق دموکراتیک، یکی از سه اصل مهم دموکراسی بود که دموکراسی مدرن را از دموکراسی باستان مجزا می‌ساخت، ولی فاقد دو اصل دیگر یعنی حمایت و احترام به اقلیت و حق رای دهندگان بود.

در آن زمان رابطه بین دموکراسی و اختناق، اصلاً غیر طبیعی نبود. ایده‌ی تحمل دیگران و احترام به آنها به دموکراسی ارتباط داده نمی‌شد و ایده لیبرالی تعادل بین سیستم پادشاهی و مردم سالاری به شمار می‌رفت و دلیل رایجی بود که از مدتها قبل علیه دموکراسی وجود داشت و معتقد بود دموکراسی به اختناق و وحشت تبدیل می‌شود.

مخالفین دموکراسی، وجود اختناق در دموکراسی را دلیل تایید و اثبات ادعاهای خود نسبت به ذات دموکراسی می‌شناختند. دولت محافظه کار انگلیسی ادمنوند بسویکه - Edmund Buike (۱۷۹۷ - ۱۷۲۹)، چند سال قبل از اختناق سال ۱۹۷۰ هشدار داده بود که دموکراسی موجب اختناق حماقت آمیزی علیه اقلیت خواهد شد که در عمل از هیچ پادشاهی هم انتظار نمی‌رود. وجود اختناق و ترور تا مدت‌های طولانی دلیلی علیه دموکراسی بود. در سال ۱۸۴۹، "پر دانتل

معتقد به سیستم نمایندگی بود و با گذشت زمان هر چه بیشتر به لزوم یک قدرت مرکزی مقتدر متقاعد می‌شد.

طرفداران "دموکراسی مستقیم" خواستار برخورد سخت‌تری با دشمنان انقلاب بودند و عمدتاً حمایت آنها بود که روسیس را به قدرت رساند. این نزدیکی، زیاد به طول نکشید، روسیس در سخنرانی خود در ۵ فوریه ۱۷۹۴ در پارلمان، به خواست رای دهندگان مبنی بر اینکه به آنها حق تجدید نظر در تصمیمات و مصوبات پارلمان داده شود، چنین پاسخ داد: "دموکراسی، دولتی نیست که مردم خودشان را حل همه مسائل و کارهای دولتی را حل کنند. دموکراسی این نیست که صدها هزار فرآکسیون مردمی جداگانه تصمیمات عجولانه و متضاد در مورد سرنوشت جامعه اتخاذ کنند، چنین دولتی هرگز وجود نداشته و اگر هم زمانی به وجود آید به حکومت مطلقه تبدیل می‌شود. دموکراسی دولتی است که در آن مردم مستقلانه توسط قوانینی که ساخته‌ی خود آنهاست، اموری را انجام دهند که به خوبی انجام می‌پذیرد و از طریق نمایندگان، همه‌ی مسائلی را که خود نمی‌توانند، حل کنند.

روسیس بر خلاف عقاید گروه حامی‌اش گفت که تنها دموکراسی واقعی نه دموکراسی مستقیم، بلکه دموکراسی نمایندگی است. هدف او گرفتن واژه دموکراسی از دست دشمنانش بود.

روسیس اولین شخص برجسته دولتی است که از زمان باستان به این سو، از کلمه دموکراسی به عنوان ارزش مثبتی برای کشورش استفاده کرد. سخنرانی او مورد توجه بسیاری قرار گرفت و بیش از هر چیز به تبدیل دموکراسی به مسأله مرکزی در تمام اروپا کمک کرد و باعث شد که دموکراسی با سیستم نمایندگی شناخته شود.

به محافل رای دهندگان شد. هر محفل رای دهنده شامل همه یا تقریباً همه مردان منطقه بود که در زمان نمایندگی جلسات متفاوت داشت. پارلمان یا مجلس ملی طرحها و قوانین جدید را پیشنهاد می‌کرد، ولی تمام این پیشنهادها و طرحها می‌بایست از طریق رای گیری همگانی در اجتماع محافل رای دهندگان مورد تصویب قرار می‌گرفت.

این تلاش مبتکرانه‌ای برای اجرای دموکراسی مستقیم در یک دولت بزرگ مدرن بود. هنوز هم سه عنصر اصلی‌ای که دموکراسی مدرن را از دموکراسی باستانی مجزا می‌کند، وجود نداشت. طرفداران دموکراسی مستقیم، خواهان حق رای همگانی برای مردان، و نه حق رای همگانی برای همه، بودند و نمی‌خواستند حق هیچ تصمیمی را به پارلمان بیاورند. آنها بین دموکراسی و نمایندگی اختلاف قایل بودند و تحمل و احترام به حقوق اقلیت را به دموکراسی مربوط نمی‌دانستند.

روسیس و دموکراسی

در سال ۱۷۹۳ جمهوری جوان فرانسه صاحب یک قانون اساسی جدید شد. همه‌ی مردان بزرگسال حق رای برای پارلمان یا مجلس ملی را به دست آوردند. این قانون آن زمان دموکراتیک خوانده نمی‌شد، نه به خاطر اینکه زنان هنوز حق رای نداشتند، بلکه به این دلیل که "دموکراسی مستقیم" پایه سیستم نمایندگی یا وکالت بود.

بر طبق قوانین سال ۱۷۹۳ هرگز هیچ انتخاباتی صورت نگرفت. در ژوئن سال ۱۷۹۳ "ماکزیمیلیان روسیس - Maximilien Robespierre" (۱۷۵۸ - ۱۷۹۴) قدرت را به دست گرفت. او دارای عقاید چپ بود و جزو اقلیت ۵ نفری محسوب می‌شد که در مجلس ملی سال ۱۷۹۸ خواهان حق رای همگانی برای مردان بودند. او

می‌دانستند، ولی آنها معمولاً از لغت دموکراسی برای تعریف این نوع از حکومت استفاده نمی‌کردند.

انقلاب فرانسه

در انقلاب سال ۱۷۸۷ فرانسه از لغت آشنای دموکراسی به عنوان یک شعار سیاسی استفاده شد. انقلاب علیه امتیازات اعیان بود و کلمه اشراف یک فحش به حساب می‌آمد. از کلمه دموکرات اغلب به عنوان کلمه متضاد با اشراف استفاده می‌شد و معمولاً طرفداری از نوع خاصی از شکل حکومتی بود.

در عین حال گروهی که به معنای واقعی کلمه دموکرات نامیده بودند، می‌خواستند که قواعد دموکراسی مستقیم دولت‌های کوچک دوران باستان را در فرانسه پیاده کنند. جنبش "دموکراسی مستقیم" در پایتخت و کلوب‌های سیاسی طرفدارانی داشت. در سال ۱۹۷۱ شهروندان صاحب حق رای برای انتخابات مجلس قانون گذاری، یا به عبارت دیگر پارلمان، از مناطق مختلف گرد هم می‌آمدند و از طریق رای علنی، انتخاب کنندگان پارلمان را برمی‌گزیدند. این انتخاب کنندگان در جلسه منطقه‌ای بزرگتری گرد می‌آمدند و نمایندگان مجلس قانون گذاری را انتخاب می‌کردند. (در این دوره، پارلمان همه کشورهای اروپایی به این شکل برگزیده می‌شد و برگه‌ی رای و رای مخفی در اواخر قرن نوزدهم معمول شد). محافل رای دهندگان در پاریس، با مبارزات خود حق برگزاری جلسات، بعد از انتخاب پارلمان را نیز به دست آوردند و در چند مورد حتی برای کسب قدرت علیه مجلس ملی به پا خواستند.

کسی که بیشتر با انرژی‌تر از همه برای دموکراسی مستقیم مبارزه می‌کرد "جان وارلت - Jean varlet" (۱۸۲۲ - ۱۷۶۴) بود. او از طریق برهوش و طنز بومی خواهان انتقال قدرت از پارلمان

شهروندان آتن باستان دولت خود را دموکراتیک می‌دانستند اما آنها از این کلمه معنایی متفاوت با آنچه امروز متداول است، در نظر داشتند. دوران باستان فاقد سه اصل مهم دموکراسی مدرن امروزی بود.

آنتی‌ها دموکراسی را به معنای حق رای همگانی و مساوی برای مردان و زنان بزرگسال نمی‌دانستند. زنان، برده‌ها، مهاجرین و فرزندانشان از حق رای محروم بودند.

مفهوم مردم در مردم سالاری (Demokrati در Demo) به معنای در نظر گرفتن همه آنهاست که در منطقه معینی زندگی می‌کردند، نبود. از این مفهوم به همان شکلی که ما امروز از مردم بی‌بهره و فلسطینی و سامی صحبت می‌کنیم، استفاده می‌شد. زنان، همانند بچه‌ها، انسانهای نابالغ شمرده می‌شدند. آنتی‌ها فاقد برداشتی از دموکراسی بودند که بر سیستم نمایندگی و وکالت مردم مبتنی است. دموکراسی مستقیم تنها شکل قابل فهم دموکراسی بود. همه‌ی شهروندان برای رای دادن در یک محل اجتماع می‌کردند و صاحب منصبان اغلب از طریق قرعه انتخاب می‌شدند.

برای یونانی‌ها، دموکراسی به مثابه حقوق یا حمایت از اقلیت‌های گوناگون یا آرمان تفاهم و آزادی ابراز عقیده نبود. اکثریت در یک دولت دموکراتیک حق داشت عقاید مخالف را با همان خشونت دیکتاتوری‌های معاصر سرکوب کند.

دموکراسی‌های باستان در سده چهارم قبل از میلاد مسیح، در نتیجه جنگهای شدید علیه امپراطوری‌های از نظر نظامی پر قدرت‌تر، از دست رفت. پس از آن در طی دو هزاره‌ی تا اواخر قرن هیجدهم میلادی، ایده‌های دموکراسی مطرود بودند. از لغت دموکراسی در بحث‌های سیاسی عمومی استفاده نمی‌شد، ولی در برخی رساله‌ها و تزه‌های علمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در مفهوم آن تغییری به وجود نیامده بود و حتی تا اواخر قرن ۱۸ این یک اصل بدیهی به نظر می‌رسید که دموکراسی باید دموکراسی مستقیم باشد که به معنای حق رای همگانی و مساوی نبود. تعداد معدودی دموکراسی را با حق رای همگانی (یا حق رای همگانی برای مردان) یکسان

آمادز - Per Danel Amadnes
سوندی (۱۸۳۳ - ۱۷۹۰) نوشت که ایده‌های دموکراسی موجب پیدایش رژیم غیر منطقی‌ای خواهد شد که بزودی در چهارچوب حکومت عوام، رژیم وحشت را ایجاد خواهد کرد.

نمونه آمریکایی

با اعلام استقلال آمریکا، در سال ۱۷۷۶ یک جمهوری در شمال این کشور تشکیل شد. حق رای به سفید پوستان و کسانی که واجد شرایط خاصی در ارتباط با تجارت و میزان مالیات‌ها بودند، داده شد. این شرایط برای ایالت‌های مختلف متفاوت بود. حدود یک چهارم تا نیمی از مردان سفید پوست و بالغ و همه‌ی زنان و همه‌ی سیاه پوستان، فاقد حق رای بودند. آمریکا، به معنای مدرن کلمه، هنوز دموکراتیک نبود زیرا حق رای همگانی در آن وجود نداشت. اما شرایط حق رای، مانعی ایجاد نمی‌کرد که آمریکا به عنوان یک کشور دموکراتیک محسوب شود. در سده‌های نیمه اول قرن نوزدهم، آمریکا به عنوان نمونه مهمی برای اروپاییانی که در مورد امکانات و مشکلات دموکراسی تحقیق می‌کردند، مطرح گردید.

اریستوکرات مشهور و با نفوذ فرانسوی de Tocqueville Alexis (۱۸۵۹ - ۱۸۰۵) کتابی به نام "مردم سالاری در آمریکا" نوشت. وی اعتقاد داشت دولت‌های اروپایی در آینده ناگزیرند دموکراتیک شوند. او نگران بود که با استقرار دموکراسی، آزادی در خطر افتد. به اعتقاد وی دموکراسی یعنی ریسک اختناق اکثریت که می‌تواند خیلی بدتر از دیکتاتوری فردی گردد. او نوشت: "به نظر می‌رسد در آمریکا کمتر از هر کشوری آزادی‌های روحی و نفسانی و آزادی‌های واقعی وجود دارد". کتاب وی توجه افکار عمومی را به این نکته جلب کرد که دموکراسی طبیعتاً سیستم نمایندگی است و می‌تواند به معنی حق رای همگانی نباشد.

انقلاب ۱۸۴۸

انقلاب ۱۸۴۸ به مانند شعله‌های بقیه در صفحه ۸

مصاحبه با عبدالله او جلال رهبر حزب کارگران کردستان دولت ترکیه همواره مخالف راه حل سیاسی مسأله کردستان بوده است

پس از حمله‌ی ارتش ترکیه به کردستان عراق به قصد سرکوب حزب کارگران کردستان در پارلمان نروژ کمیته‌ی مرکب از نمایندگان چپ و میانه جهت حمایت از مردم کردستان تشکیل گردید. اخیراً یکی از اعضای این کمیته همراه با خبرنگار روزنامه‌ی چپ‌گرای مبارزه‌ی طبقاتی برای مذاکره و مصاحبه با آقای عبدالله او جلال رهبر حزب کارگران کردستان عازم یکی از کشورهای خاورمیانه شده‌اند. ما برای اطلاع شما خوانندگان عزیز نشریه‌ی کار خلاصه‌ی این مصاحبه را که در ماه اوت سال جاری میلادی در روزنامه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی چاپ نروژ درج گردیده است، تقدیم می‌کنیم.

ترکیه از نظر سیاسی و نظامی از جانب پیمان ناتو حمایت می‌شود دولت نروژ هم ترکیه را از نظر عملیاتی تغذیه می‌کند بنظر شما این مسائل چقدر در جنگ دولت ترکیه و کردها تاثیر گذارند؟

کمک نروژ مسئله‌ی مهمی است. مردم نروژ مایل نیستند که این سلاح‌ها در جنگ با کردها بکار گرفته شود. در حقیقت دولت نروژ با ارسال اسلحه برای ترکیه بطور غیر مستقیم علیه کردها دخالت دارد. شاید مردم نروژ بگویند نه ما در این جنگ درگیر نیستیم اما دولت نروژ چه از طریق عضویت در ناتو و چه از طریق ارسال سلاح در این جنگ علیه ملت کرد شرکت دارد. با وجود اینکه گناه اصلی در این رابطه با دولت‌های آمریکا و آلمان است اما بهر حال همه‌ی شانزده کشور عضو ناتو با حمایت از ترکیه در مقابل مردم کردستان قرار

به هیچ کردی اجازه نمی‌دهد به زبان مادریش سخن بگوید و فرهنگ و ادبیات ملی خود را توسعه دهد. ما معلم‌ها را در کردستان نمی‌کشیم، موضوع این است که بعضی از مأموران ضد چریک ترکیه مأموریت خود را تحت پوشش معلم و پزشک و اشکال دیگر به پیش می‌برند. آنها لیاست نظامی به تن ندارند بعضی از آنها تحت پوشش سیستم آموزشی و بعضی دیگر تحت پوشش سیستم بهداشتی سازماندهی شده‌اند. در ترکیه هزاران نفر از مأموران ویژه ضد چریک در مشاغل غیر نظامی به کار گرفته می‌شوند اگر حزب کارگران کردستان قصد داشت که افراد غیر نظامی را ترور کند راه‌های آسان تری هم برایش وجود داشت. ما می‌توانستیم با کامیون‌های پر از دینامیت به مرکز استانبول یا آنکارا برویم و هزاران تن از مردم غیر نظامی را در آنجا در مدت کوتاهی به قتل برسانیم آیا ما این کار را کرده‌ایم؟ نه!

در اردیبهشت ماه سال جاری حزب کارگران کردستان به دولت ترکیه پیشنهاد آتش‌بس داد عکس‌العمل دولت ترکیه چه بود و طرح بعدی حزب شما چیست؟

بقیه در صفحه ۹

اروپا بوسیله‌ی گرگهای خاکستری به اجرا درآمد. قراردادهایی بین اداره‌های پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ترکیه و آلمان منعقد شد و هم‌زمان با این اقدامات به منظور فریب مردم اتهام تروریسم به ما زده شد. کارزارهای آگاهانه، برنامه‌ریزی شده، و هدفمند بر علیه حزب کارگران کردستان آغاز گردید، متأسفانه راز قتل پالمه هنوز روشن نشده است. من امیدوارم که این راز بوسیله‌ی روزنامه‌نگاران سازمان‌های حقوق بشر بالاخره روزی از پرده بیرون افتد. باشد تا از این طریق آسیبی که در اثر نسبت دادن این اتهام به ما وارد شده است جبران شود. هنگامی که این راز از پرده بیرون افتد تروریست بزرگ افشا خواهد شد.

یکی از اتهاماتی که به شما می‌زنند این است که حزب کارگران کردستان معلمین را در کردستان می‌کشد پاسخ شما به این اتهام چیست؟

این یک دروغ بزرگ است. چه کسی است که همه روزه و بزور مردم ساکن هزاران دهکده را به جاهای دیگر برخلاف میلشان کوچ اجباری داده، خانه‌هایشان را غارت کرده، دام‌هایشان را از آنان می‌گیرد، چه کسی است که مردم غیر نظامی را می‌کشد؟ چه کسی است که

جنگی مسلحانه است ترکیه و متحدین ترکیه شما را متهم به تروریسم می‌کنند، پاسخ شما چیست؟

آیا اگر اقدامی برای تهیه یک گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر از جانب سازمان‌های حقوق بشر صورت گیرد دولت ترکیه آنرا می‌پذیرد؟ هنوز ترکیه حاضر نیست که هویت کردها را به عنوان کرد برسمیت بشناسد. ترکیه حتی تحمل این را که کردها کتابهایی را که به زبان کردی نوشته شده است بخوانند، ندارد. ترکیه یکی از بزرگترین ارتش‌های جهان را دارد، این ارتش خود را پشت انبوه سلاح‌هایی که ناتو در اختیار ترکیه قرار داده پنهان کرده است. آنها برای نابود و قتل‌عام کردها هیچ محدودیتی در کاربرد این سلاح‌ها برای خود نمی‌شناسند. آیا ترکیه مایل است جنگ را متوقف کند؟ حزب کارگران کردستان آماده است یک آتش‌بس را بیدرنگ بپذیرد و آنرا اجرا کند. آیا در کشور ترکیه که ترور دولتی رایج است، پایان دادن به خشونت دولتی امکان پذیر است؟ ترکیه حاضر نیست به طور داوطلبانه حقوق انسانی کردها را به رسمیت بشناسد و برای کردها حق هویت و حیات قائل شود وقتی که ترکیه حاضر نیست حقوق طبیعی ما را بدهد شما به من بگویید تروریست بزرگ کیست؟ آیا کسانی

که در مقابل تجاوز به حقوق بشر و در دفاع از ملت خود مبارزه می‌کنند تروریست هستند؟ امروزه بخوبی روشن است که چه کسانی واقعا در صد یافتن راه‌حل‌های انسانی و دموکراتیک برای مسئله‌ی کرد هستند. دروغگویان نمی‌توانند مردم را برای همیشه فریب دهند. من تکرار می‌کنم اتهام تروریست بودن حزب کارگران کردستان یک دروغ بزرگ بین‌المللی است. کارزارهای است که هدف از آن سرپوش نهادن بر قتل‌عام کردها از سوتی و پنهان کردن تروریست‌های واقعی از سوی دیگر است. من تکرار می‌کنم که گروهی در سطح جهان برای به شکست کشاندن جنبش مبارزاتی خلق کرد هم‌پیمان شده‌اند. کسانی که می‌خواهند تروریسم بین‌المللی را لاپوشانی کنند و بزحکاران واقعی را تحت حمایت خود قرار دهند، ما همگی باید تلاش کنیم که این دروغگویان را که قصد چوب لای چرخ گذاشتن جنبش رهایی‌بخش خلق کرد را دارند افشا کنیم. اتهام تروریسم پس از آن به ما زده شد که ما در پانزدهم آگوست ۱۹۸۴ جنگ مسلحانه‌ی خود را آغاز کردیم در آن زمان یک سلسله ملاقات‌ها در رابطه با حرکت ما در اروپا انجام شد و اتهاماتی مبنی بر قتل اولاف پالمه به ما نسبت داده شد. هم‌زمان با آن سوءقصد به پاپ و یک سلسله اقدامات سیاسی خشونت‌آمیز در

اسحاق رابین که بود؟

اسحاق رابین شهرت خود را نخست به عنوان یکی از فرماندهان ارتش اسرائیل کسب کرد. وی در سالهایی که این ارتش با حمایت نامحدود تجهیزاتی غرب و با بسیج تقریباً همه افراد قادر به جنگ در اسرائیل، به عنوان قشونی افسانه‌ای و شکست‌ناپذیر شناخته شده بود، مدارج افسری را به سرعت طی کرد و تا جنگ اکتبر ۱۹۷۳، در سه جنگ با اعراب، به عنوان طراح تاکتیک "جنگ برق‌آسا" معروف شد. وی سپس وارد فعالیت‌های سیاسی حزب کارگر اسرائیل شد و مقاماتی عالی، از وزارت دفاع تا نخست‌وزیری را بر عهده گرفت. پس از روی کار آمدن بلوک دست راستی لیکود، رابین هنگام ریاست جمهوری جیمی کارتر، مبتکر صلح کمپ دیوید، سفیر اسرائیل در آمریکا بود. وی در دهه هشتاد رهبری حزب کارگر را که گاه در اپوزیسیون بود و گاه در ائتلاف با لیکود، دولت را تشکیل می‌داد، بر عهده داشت. به دنبال پیروزی حزبی در انتخابات، رابین به نخست‌وزیری اسرائیل برگزیده شد و اعلام کرد می‌خواهد از اکثریت خود در پارلمان، برای پیشبرد روند صلح استفاده کند. آخرین دوره نخست‌وزیری رابین با شرایط مساعد بین‌المللی و منطقه‌ای برای تحقق صلح مصادف شد. از یک سو

اسحاق رابین به قتل رسید

بقیه از صفحه ۱
اتحاد شوروی به عنوان مهم‌ترین متحد اعراب دیگر وجود نداشت و از سوی دیگر، آمریکا توانسته بود در جریان جنگ کویت، همکاری اکثر کشورهای عرب و از جمله سوریه و مصر را جلب کند. واشنگتن در چارچوب استراتژی کلی خود برای تحکیم نفوذ خود در خاورمیانه، کارگردانی روند صلح را بر عهده گرفت و با وارد آوردن فشار به اسرائیل، زمینه توافق‌های سالهای اخیر با فلسطینی‌ها و اردن را فراهم کرد.

یهودیان افراطی، خطر اصلی علیه صلح

سرنوشت چنین می‌خواست که رابین درست در هفته پس از ترور فتحی شقاقی رهبر سازمان بنیادگرایی فلسطینی "جهاد اسلامی"، قربانی تروریسم شود. واکنش اسحاق رابین در برابر قتل شقاقی در نهایت شایسته یک رئیس دولت نبود. رابین ضمن تکذیب دخالت اسرائیل در مرگ شقاقی، گفت که رهبر جهاد اسلامی "مستحق مرگ" بوده است، سخنی که تکذیب دست داشتن اسرائیلی‌ها در این ترور را بی‌اثر و بی‌ارزش کرد. تقریباً هیچ‌کس تردید ندارد که شقاقی را موساد، سازمان امنیت اسرائیل کشته است. این بدان معنی است که در همان روزهایی که مأموران امنیتی اسرائیل، سرگرم سازماندهی و اجرای ترور شقاقی بودند، تدارک قتل رابین در خود اسرائیل جریان داشت و دستگاه امنیتی این کشور توانست جلوی آن را بگیرد.

در تاریخ بارها پیش آمده است که سیاستمداران برای پیشبرد مقاصد خود، خطرات اصلی علیه صلح و دموکراسی را نه در آنجا که واقعاً هستند، بلکه در گوشه‌ای دیگر جستجو کرده یا نشان داده‌اند. و نخستین بار نیز نیست که سیاستمداران، قربانی نقرتی می‌شوند که خود در پراکنده شدن بذر آن، بی‌تقصیر نبوده‌اند.

رابین در طول ده‌ها سال فعالیت نظامی و سیاسی‌اش، با بدبینی به اعراب می‌نگریست و حتی در سالهایی که مشی صلح را پیش می‌برد، حاضر نشد در این بدبینی تجدید نظر کند. همه، صحنه جلوی کاخ سفید را به یاد دارند که چگونه رابین حتی پس از امضای قرارداد صلح با عرفات، به زحمت و تنها چند لحظه پس از اینکه عرفات دست خود را به سمت او آورده بود و رئیس جمهور آمریکا در طرف او به دست دادن ترغیب کرد، حاضر شد دست عرفات را بفشارد. این زست ناهنجار رابین، تلاشی بود برای جلب توجه یهودیان ضد عرب. اما مرگ نم‌انگیز خود رابین نشان داد که وی، آنجا که می‌کوشید با اعمال انواع و اقسام تحمیل‌ها به طرف فلسطینی، با ادامه اشغال بخش‌هایی عمده از کرانه غربی، با حفظ شهرک‌های غیر قانونی یهودی، با ساختن جاده‌های مورد استفاده نظامی برای محاصره مناطق خودمختار، و به طور خلاصه با نایبگیری و تناقض در مشی صلح، از شدت مقاومت یهودیان افراطی در برابر صلح بکاهد، در خطا بود. دشمنان صلح را تنها می‌توان با تحقق قاطع صلحی عادلانه خشی کرد. امید آن است که صلح دوستان اسرائیل و جانشینان رابین، این درس را بیاموزند و راهی را که رابین آغاز کرد، پیگیری تر از او ادامه دهند.

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و رئیس حکومت خودمختار فلسطینی در نوار غزه و کرانه غربی رود اردن، که همراه با رابین و شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل، جایزه صلح نوبل را دریافت کرد، با نگرانی و ناراحتی آشکاری در جمع خبرنگاران حاضر شد و در سخنان کوتاهی، قتل رابین را تراژدی تکان‌دهنده‌ای نامید که ضربه‌ای بزرگ به روند صلح خاورمیانه وارد کرده است. بیبل کلیتون رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن گفت جهان، مرد بزرگی را از دست داده است و می‌آیدوار است که صلح به مثابه مهم‌ترین میراث رابین کاملاً تحقق یابد.

اندکی پس از مرگ رابین، اعلام شد که شیمون پرز وزیر خارجه، کفالت نخست‌وزیری اسرائیل را بر عهده گرفته است.

کنفرانس صلح بالکان در آمریکا تشکیل شد

برای نخستین بار پس از آغاز جنگ بالکان، رؤسای جمهور بوسنی - هرزه‌گوین، صربستان و کرواسی در پایگاه هوایی دیتون واقع در ایالت اوهایو آمریکا گرد آمدند تا با میانجی‌گری وزیر خارجه ایالات متحده، درباره برقراری صلح در یوگسلاوی سابق گفتگو کنند. صحنه‌ای در حاشیه این مذاکرات در برابر دوربینهای خبرنگاران شکل گرفت، نماد تمام عیاری از شرایط و ویژگیهای این گفتگوهای صلح است: وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا از سه رئیس جمهور بالکان خواست دست یکندیگر را بفشارند، و آنها نیز چنین کردند. کریستوفر افزود اگر کنفرانس دیتون نتواند پیرامون یک طرح صلح به توافق برسد، مرگ و گرسنگی بار دیگر دامنگیر بالکان خواهد شد.

قرار بود رؤسای جمهور سه کشور درگیر جنگ، نخست به دعوت باریس یلتین رئیس جمهور روسیه در مسکو ملاقات کنند و بعد از آن به آمریکا بروند. این برنامه سفر، از جمله توافق‌هایی بود که در جریان سفر اخیر یلتین به آمریکا بین وی و کلیتون رئیس جمهور این کشور حاصل شده بود. در تحولات اخیر بالکان، نقش روسیه در قیاس با ایالات متحده تا حد بی‌اهمیتی تنزل کرده است و رؤسای جمهور دو کشور می‌خواستند قبل از این که مذاکرات دیتون به کارگردانی آمریکا آغاز شود، ترتیبی دهند که وجهه روسیه نیز به عنوان یک قدرت بزرگ ذینفع در بالکان حفظ شود. اما یلتین بلافاصله پس از مراجعت از سفر فرانسه و آمریکا در بیمارستان بستری شد و برنامه سفر رؤسای جمهور بالکان به مسکو لغو گردید، در جریان مذاکرات دیتون،

۹ نفر از مخالفان رژیم نظامی نیجریه محکوم به اعدام شدند

سه‌شنبه هفته گذشته، یک دادگاه نظامی در نیجریه، کن سارو-ویوا نویسنده نیجریه‌ای و شخصیت برجسته جنبش دفاع از حقوق اقلیت ملی اوگونئی در این کشور و ۸ نفر از همفکرانش را به اعدام محکوم کرد. این محکومیت، اندکی پس از اعتراض گسترده بین‌المللی به حکم اعدام علیه اوپاسانجو رئیس جمهور غیرنظامی سابق و گروهی از طرفدارانش اعلام شد. تحت فشار افکار عمومی جهان، ژنرال آباچو رئیس جمهور نظامی نیجریه حکم اعدام اوپاسانجو و اطرافیانش را به مجازات زندان تخفیف داد تا مانع برقراری تحریم‌های بین‌المللی علیه نیجریه شود. اکنون با اعلام احکام جدید اعدام، عفو بین‌الملل بار دیگر خواهان اعمال فشار بر رژیم نیجریه شده است.

بازداشت و محاکمه کن سارو-ویوا به خاطر فعالیت وی علیه بهره‌برداری بی‌رویه نفت توسط شرکت‌های مختلط نیجریه‌ای-غربی در جنوب نیجریه صورت گرفته است. در این منطقه، شرکت‌های نفتی به جای گسترش زیرساخت اقتصادی و احداث تأسیسات بهداشتی و درمانی که قول آن رژیم نیجریه به ساکنان جنوب این کشور داده است، لوله‌های نفت‌دار نفت و اراضی آلوده به جای می‌گذارند. در منطقه اوگونئی، نه لوله‌کشی آب وجود دارد و نه شبکه کم و بیش فرآگیر برق. تعداد جاده‌ها در این منطقه انگشت شمار است. مدارس و بیمارستان‌ها از تجهیزات محرومند، و از صنعت خبری نیست. در جوار چاه‌های نفت، مردم در اردوگاه‌ها زیر چادر زندگی می‌کنند و هرگونه اعتراضشان توسط نظامیان سرکوب جلب کند.

اقتصاد کوبا در آستانه رونق؟

فیدل کاسترو رهبر کوبا در جریان سفر اخیر خود به نیویورک برای شرکت در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، از سوی دولت آمریکا مورد پذیرایی قرار نگرفت، اما دو گروه از کاسترو استقبال کردند: گروه نخست، طرفداران انقلاب کوبا در آمریکا بودند که با شور و شوق زیاد، به سخنرانی کاسترو در کلیسای در محله فقیرنشین هارلم رفتند. کاسترو مدتی از دوران مهاجرت خود را قبل از بازگشت به کشورش به منظور سازماندهی مبارزه مسلحانه، در هتلی در هارلم گذرانده بود و در سفر اخیر، بار دیگر از این هتل محقر دیدن کرد. گروه دومی که پذیرای کاسترو شد، محافظ سرمایه‌داران و بانکداران آمریکایی بودند. بسیاری از صاحبان سرمایه در آمریکا منتظر لغو تحریمهای اقتصادی واشنگتن علیه کوبا هستند تا به محض ایجاد امکان قانونی، از سرمایه‌گذاری در کوبا به قصد سرمایه‌گذاری در ۱۷ میلیون دلار به کوبا فروخته است و می‌کوشد با حضور در نمايشگاه هاوانا، برای مابقی کماين‌هاى ساخت شوروى در کوبا نیز که تعدادشان به ۴۰۰۰ عدد بالغ می‌شود، موتور بفروشد. برای سایر وسایل نقلیه کوبا، از کامیون گرفته تا اتومبیل‌های شخصی مدل ولگا، مرسدس بنز قصد فروش موتور دارد.

برخی دیگر از شرکت‌های غربی، به آن بخش از اقتصاد کوبا چشم دوخته‌اند که طبق مقررات اقتصادی جدید این کشور، مجاز به انجام معاملات دلاری است. تورسیم، یکی از این عرصه‌هاست. انتظار می‌رود احداث هتل در کوبا گسترش یابد، و سازندگان ماشین‌آلات ساختمانی برای فروش محصولات خود به شکر در این کشور اندکی بیش از سه

حقوق خود مبارزه کنند.»